

تمتیش عقاید و تعرض به حقوق و آزادیهای مردم، تعرض جدی به انقلاب است

صفحه ۹

اطلاعاتی در پیرامون بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران

از بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران و دبیر اول آن رفیق نورالدین کیانوری در ماه مگذرد وظیفه قانونی مقامات جمهوری اسلامی ایران بود که لااقل در برابر افکار عمومی مردم ایران و جهان درباره این حادثه مهم سیاسی - اجتماعی توضیح می دادند و روشن میکردند چه کسانی را، به چه اتهامی و موافق کدام اصل قانونی بازداشت کرده اند.

متاسفانه به این وظیفه ساده قانونی هم عمل نشده و مقامات مسئول درباره این واقعه مهم، که با سرنوشت انقلاب مربوط است، به بیان مشتئی مطالب متناقض و اتهام زنی های زشت و بی پایه پرداخته اند که در شان انقلاب و فرهنگ غنی مردمی ما نیست.

این روش سبب شده است که درباره نقش دستگا های امنیتی و اعتبار دستگا های قضائی جمهوری و هدف های پشت پرده دستگای پنهانی که اینگونه حوادث توطئه آمیز را میافرینند، پرسش هایی مطرح شود و در مردم ایران و همه محافل مردمی و ضدا امپریالیست جهان، نسبت به سرنوشت رهبران حزب ما، که پیش از پیش با سرنوشت انقلاب گره میخورد - نگرانی بحقی را برانگیزد.

بقیه در صفحه ۶

راه توده

نشریه ملابان حزب توده ایران در خارج از کشور

شماره ۲ اردیبهشت ۱۳۱۲ مطابق ۷ ربیع الثانی ۱۴۰۴ و ۲۲ آوریل ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۳۸
پیشگام: ۴۰ سال

آقای "نویسنده"، بر حذر باشید!

ولحن تاریخ و خلق های ما بوده و هست سخت جانی و دوام حزب توده ایران در صعب ترین ایام تاریخ وطن ما که دیکتاتوری وابسته داخلی با حمایت متجاوزترین محافل امپریالیستی جهان - امپریالیسم آمریکا سایه شوم خود را بر میهن ما گسترده بود، نشان داد که حامل حقیقت ارزنده و والا ایست که از زیر خوارها اتهام، دروغ، تزویر، مسخ و تحریف تاریخ، بازار گرمیها و شعیده بازیهای ارزان د - شمنش پس از سالهای طولانی زندان، شکنجه و اعدام، با اندامی خونین ولی با سری افراشته بیدار انقلاب آمد، در آن شرکت کرد و از آن بقیه در صفحه ۸

حزب توده ایران بیش از چهل سال است که در یکی از طوفانی ترین تاریخ مبارزات و حیات کشور ما نقش عظیم، مؤثر و با همه جذر و مد های حوادث تاریخی، سازنده خود را انجام داده و میدهد. باتفاق نظر موافق و مخالف حزبی است جدی با نظرات و سیستم دقیق ایدئولوژی و بر نامه علمی. این حزب با هو و جنجال، توطئه و زد و بند گروه و افرادی بوجود نیامده که با تخییر در نظرات و اهداف و منافع اینگونه محافل تحول و تغییر پیدا کند و بودش به نبودش منجر شود. همچنانکه دهها و دهها و ایزاحزاب امپریالیسم و شاه و ارتجاع ساخته آمدند و رفتند. اگر نامی پس از خود باقی گذاشته توام با ننگ

عظوفت و رافت اسلامی مسئولان

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ فروردین ۱۳۱۲ - مقاله ای تحت عنوان " زمان عمل " منتشر کرده ، که در آن خط فکری نیروهای مردمی و مدافعان " کوخ نشینان " در حاکمیت ارائه شده است. در این مقاله نویسنده در ابتدا " وجود بی - عدالتی اقتصادی " را برای " انقلاب اسلامی " و " جمهوری اسلامی " زشت اعلام می کند و از زبان رئیس جمهور می نویسد: " ما توقع نداریم در تاه مدت به این هدف (ترمیم ویرانی ها) دست یابیم . . . " وی با اشاره به این، که اما بایسد هر سال قسمتی از این ویرانی ها ترمیم شود، سوال می کند که: " آیا تا کنون این روند دقیقاً به پیش رفته است؟ "

سپس نویسنده به برشمردن " راه سازیها و آبرسانیها و برق رسانیها و مدرسه سازیها . . . در طول چهار سال پس از پیروزی انقلاب . . . " می پردازد و آن را نشانه کوشش در راه " درهم پیچیدن طومار عمر ننگین دیوشوم بی عدالتی اقتصادی به شمار " می آورد، و اظهار می کند، که با وجود خوشحالی مردم برای این که این اقدامات انجام شده اند، مردم " از سوی دیگر نگران این مسئله هم هستند، که گروهی سودجو، که با سوء - استفاده از عظوفت و رافت اسلامی مسئولان و میدان باز و آزادی، که انقلاب به همراه آورده است . . . با حیللهائی از قبیل احتکار و گرا - نفروشی و کم فروشی کیسه های گشاد و طماعی خود بقیه در صفحه ۴

۶۹ حزب کمونیست و کارگری پشتیبانی همه جانبه خود را از حزب توده ایران اعلام کردند

متن بیانیه همبستگی:

تعدادک دیدده می شود - سرتاسر دوران حیات حزب توده ایران را مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری، بخاطر تامین استقلال ایران، آزادی و عدالت اجتماعی برای مردم ایران تشکیل داده و می دهد. شرکت حزب توده ایران در انقلاب ضدا امپریالیستی و میردمی بقیه در صفحه ۳

ششم فوریه ۱۹۸۳، رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و عد های از افراد کادر رهبری و اعضای حزب توده ایران با اتهامات بی اساس در ایران بازداشت شدند. بنا به گفته برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران محاکمه و تزییقات جدی تری علیه رهبری حزب و حزب

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

تعجب و تاسف خود را از شنیدن خبر دستگیری رفقای رهبری حزب و از جمله دبیر اول رفیق نورالدین کیانوری ابراز داشته و مینوسد:

« همه کس میدانند که این گونه اتهامات همواره در زرادخانه مخالفین و دشمنان سوسیالیسم علمی بر علیه نیروهای هوادار استقلال و آزادی و مبارزین ترقی و پیشرفت اجتماعی صدیق داده شده است. ما حزب توده ایران را بعثابه حزبی که حامی مبارزه ضد امپریالیست جهانی است، می شناسیم. ما بسیانی بی حد و حصر خود را از خواست اجازه فعالیت آزاد سیاسی برای حزب توده»

دنبال دارد. ما در این لحظات حساس و سرنوشت ساز انقلاب ایران، یکبار دیگر همبستگی کامل خود را با رفقای حزب توده، ایسران اعلام می داریم. این اعلان همبستگی با حزبی است که از بد و تا سیر آن یعنی، از چهل و یک سال پیش، همواره بر علیه امپریالیسم جهانی و بر ضد دیکتاتوری سلطنتی شاه، سرمایه داری بزرگ و فئودالیسم در ایران در راه استقلال کشور، آزادی و عدالت مبارزه کرده و در این راه هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان پست سر گذارده است. ما همبستگی خود را با حزبی اعلام می کنیم که با تمام توان و امکانات

در میان سیل نامه ها و بیانیه های اعتراضی، نامه ها و اعتراضیه های متعددی از طرف بخش های مختلف حزب کمونیست آلمان فدرال، سزلمن " دانشجویان این حزب و سازمان جوانان کارگر سوسیالیست" در سراسر استانها و شهرهای این کشور بچشم میخورد که همه آنها دستگیری رهبران و اعضا، حزب توده، ایران اعتراض نموده و آزادی بلا قید و شرط آنان را خواستار شده اند:

« سعه حزب کمونیست در شهر هانور، در بیانیه اعتراضی خود، پس از اشاره به نقش انقلاب ایران در رهائی مردم این کشور از یوغ امپریالیسم آمریکا و سهم مهمی که حزب توده، ایران در شعر رسانیدن این انقلاب داشته است، به تاریخچه مبارزات حزب و سالیان طولانی که اعضا آن در زندان بسر برد ه اند، پرداخته و اظهار میدارد:

" امروز، نیروهای ارتجاعی و محافظه کار که در جبهه مقابل امام خمینی صف آرائی کرده اند، باردیگر کمر به سرکوب نیروهای مترقی و میهن پرست کشور و قطع رابطه دوستی میان ایران و اتحاد شوروی بستهاد.

ما سبدا به بازداشت رهبران حزب توده، ایران و بخصوص دستگیری دبیر اول حزب نورالدین کیانوری، محترزم و همبستگی بیدریخ خود را با مردم ایران و حزب وی، حزب توده، ایران در ادامه راهش بسوی آزادی و ترقی اجتماعی اعلام می داریم.

در بیانیه همبستگی اعضا، حزب کمونیست در گین از حزب توده، ایران از جمله پس از اشاره به افتراات سرم آور " جاسوسی " و " جعل اسناد " که از طرف مقامات رسمی جمهوری اسلامی به مبارزین دستگیر شده حزب توده، ایران وارد آمده، و توضیح این مطلب که چگونه این نوع اتهامات در زرادخانه های دشمنان سوسیالیسم علمی صدیق و بارها بر علیه نیروهای هوادار استقلال و آزادی و مبارزین پیگیر ترقی اجتماعی بکار گرفته شده است، از جمله آمده است:

" تجربه تاریخی بما می آموزد که در همه جا تهاجم علیه احزاب کمونیستی و کارگری سرفراز در هم سگستن انقلابات بوده است. از اینرو، توطئه کثونی بر علیه حزب توده، ایران، خطر واقعی توطئه بزرگتر محافل راست و امپریالیستی برای درهم سگستن انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی را به



هواداران حزب توده، ایران در لیون (فرانسه) طرح فوق را به مناسبت دستگیری رفیق نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران، تهیه و منتشر کرده اند.

ایسران، مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعلام می داریم. این خواست مطابق با گفته امام خمینی نیز می باشد که اعلام داشته است:

" کلیه احزاب و گروهها تا هنگامیکه اعلان جنگ بر علیه کشور اسلامی نکرده و بر علیه اسلام دست به اسلحه نبرده اند، میتوانند آزادانه به فعالیت و بیان عقیده خود بپردازند.

ما حواستار پایان دادن تضییقات در مورد حزب توده، ایران و آزادی فوری رهبران و اعضای این حزب هستیم.

خود در انقلاب مردمی فوریه ۱۹۷۹ شرکت کرده و در راه استقرار، تحکیم و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب نقش مؤثر و فعالی ایفا نموده است.

ما بستپانی همه جانبه خود را از مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک حزب توده، ایران در آینده نیز اعلام می داریم.

اتحادیه، آلمانی صلح، سپهر ماربورگ در آلمان فدرال با انتشار بیانیه ای در تاریخ ۲۱ فوریه

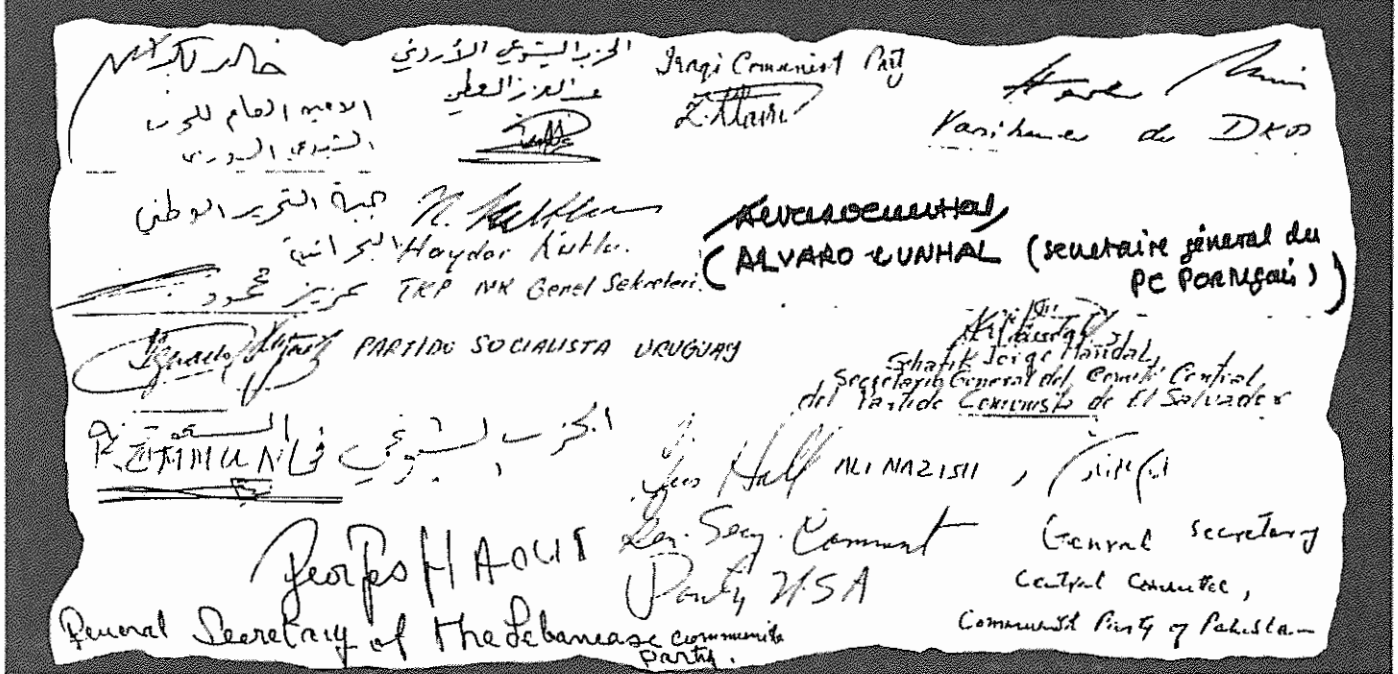
درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹۶ حزب کمونیست و کارگری پشتیبانی همه جانبه خود را از حزب توده ایران اعلام کردند

بقیه از صفحه ۱

فوریه ۱۹۷۹ ایران، پشتیبانی و دفاع از دستاورد های آن گواه بر تداوم این خط مشی اصولی است. ما احزاب و سازمان های امضاء کننده زیر، که مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم ایسران در جهان هستیم، تضییقات وارد نسبت به حزب توده ایران و رهبری آنرا خطر جدی برای انقلاب ایران و استقلال و آزادی ایران می دانیم و از این رو آزادی فوری و بی قید و شرط رفیق نورالدین کیانوری و رهبران دیگر حزب توده ایران و رفع تشییقات از حزب را خواستاریم.

حزب کمونیست آلمان (هربرت میس، دبیر اول) • حزب کمونیست آمریکا (گاس هال، دبیر کل) • حزب کمونیست پرتغال (آلوارو کونیال، دبیر کل) • حزب کمونیست سوریه (خالد بکتاش، دبیر کل) • حزب کمونیست ترکیه (حیدر کوتلو، دبیر کل) • حزب جبهه رها بیخش ملی الجزایر • حزب کمونیست پاکستان • حزب کمونیست اروگوئه (رودنی آریسماندی، دبیر اول) • حزب کمونیست عراق • حزب کمونیست لبنان (جرج هاوئی، دبیر کل) • حزب کمونیست فلسطین • حزب کمونیست السالوادور (شفیک جرج هندل، دبیر کل) • حزب کمونیست اسرائیل (مایر ویلنر، دبیر کل) • حزب کمونیست هندوستان • حزب کمونیست مصر • حزب متقدم مترقی ملی مصر • حزب کمونیست بنگلادش • حزب کمونیست بلژیک • حزب سوسیالیست فرانکوفون (بلژیک) • حزب کمونیست بلژیوی (جرج کله، دبیر اول) • حزب رادیکال شیلی • حزب سوسیالیست شیلی (کلود و میرو آمیلو دبیر اول) • حزب کمونیست دانمارک (یورگن یسن، دبیر اول) • حزب کمونیست اکوادور (رنه ماوئه، دبیر کل) • حزب انقلابی سوسیالیست اکوادور (ویکتور گراند، دبیر کل) • حزب کمونیست بریتانیای کبیر (گوردون مک لنان، دبیر کل) • حزب کارگواتالا • حزب توده مترقی کویان (جدی یاگان، دبیر کل) • حزب کمونیست هندوراس (ریگویرتو پادایلا، دبیر کل) • حزب کمونیست هندوستان (مارکسیستی) (ام. س. نامبودیر پریاد، دبیر کل) • حزب کمونیست اندونزی • حزب کارگر جامائیکا • حزب سوسیالیست ژاپن • حزب کمونیست اردن • حزب بعث اردن • حزب ترقی سوسیالیستی لبنان • حزب کنگره استقلال ماداگاسکار (گیزله رابسا هالا، دبیر کل) • اتحاد دمکراتیک خلق مالتا • حزب کمونیست مالتا (آنتونی واسالو، دبیر کل) • حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش (علی یاتا، دبیر کل) • حزب کمونیست مارتینیک • حزب سوسیالیست خلق زحمتکش (نیجریه) (دکتر چیپا آنوزی، دبیر کل) • حزب توده سوسیالیستی مکزیک (جرج کریکشانک گارسیا، دبیر کل) • حزب کمونیست نروژ (هانس ای. کلون، دبیر کل) • حزب خلق پاناما (روبن داریوسوزا، دبیر کل) • حزب کمونیست پرو • حزب کمونیست رئونین • حزب چپ - کمونیستها (سوئد) • حزب کار سوشلس (آرماند ماگنن، دبیر کل) • حزب کمونیست سریلانکا (ک. پ. سیلو، دبیر کل) • حزب کمونیست آفریقای جنوبی (موزس مابهدا، دبیر کل) • حزب کمونیست سودان • حزب سوسیالیست اروگوئه • حزب کمونیست ونزوئلا • حزب ترقی خلق زحمتکش قبرس • حزب لستو ANC (دبیر کل کنگره ملی آفریقا) • حزب استقلال و کار (سنگال) • حزب توده ملی جامائیکا • حزب کمونیست برزیل (گیوگند و دیاس، دبیر کل) • حزب کمونیست عربستان سعودی • حزب کمونیست یونان • جبهه آزاد بیخش ملی بحرین • حزب متحد سوسیالیستی نیوزیلند • حزب پیشرو سوسیالیست الجزایر • حزب مستقل آفریقایی دماغه سبز • کنگره ملی خلق گویانا • حزب پیشرو خلق کاستاریکا • حزب انقلابی خلق لائوس • حزب کمونیست چکسلواکی



“عظوفت و رأفت اسلامی مسؤلان“

بقیه از صفحه ۱

را پر کرد ماند و همچنان ” به این کار ادامه می دهند . وی به درستی می نویسد که: ” د و د این آتش های فتنه و فساد به چشم مردم مستضعف می رود .“

پایداری و ایثار خلق

سپس وی به ایثار خلق توجه می دهد، که با وجود این ” هر یار بیش از دفعه قبل پای صند و قهای رای می روند تا مشتشان را محکم تـسرو کوبند ه تر به دهان آمریکا و ایادی داخلش از جمله محتکران و سودجویان ، که ستون پنجم دشمن هستند، بکوبند و به آنها بگویند که همنوایی های شما با آمریکا در زمینه اقتصادی نمی تواند ما را از انقلاب اسلامی دلسرد کند .“ نویسنده که این ایثار خلق را ارجح می گذارد و در جستجوی ایجاد شرایط تداوم آن است، می طلبد، نه باید ” مردم را در مبارزاتشان علیه ترسور - بست های اقتصادی یاری کرد ” و سوال می کند: ” آیا انقلاب نباید با همت و پشتکار بیشتری به فکر قلع و قمع دستهای کثیف تروریست های اقتصاد - دی ۰۰۰ که مسخول خدمت به ارباب مشترکسلسن شیطان بزرگ هستند، باشد ؟“ وی در ادامه مطلب ، اظهار نگرانی می کند که مبادا ” در غرقاب شعار دادن ها عرق شویم و سرانجام سال ۶۲ هم به پایان برسد و باز هم در خم همین کوجه باقی مانده باشیم ” و هشدار می دهد که ” به همین دلیل باید مسؤلان این نکته را در یابند که اکنون ” زمان عمل ” است و نباید فرست را از دست بدهند .“

نگرانی بجای دوستان انقلاب

همانظرم که خوانندگان عزیز توجه می کنند، این سخنان یک دوستار انقلاب و بیان نگرانی بجای او درباره سرنوشت انقلاب است . نویسنده ، در شناخت ” شیطان بزرگ “، امپریالیسم آمریکا و ارتباط آن با ” تروریست های اقتصادی “، که ” ایادی داخلی “ امپریالیسم آمریکا هستند، رو- شن بینی صریحی از خود نشان می دهد، و باید انتظار داشت که مورد غضب ” تروریست های اقتصادی “ و عناصر ” توطئه خرنده “، که بلا نفوذ خود روزنامه جمهوری اسلامی را بر نصیب کرد هاند، روبرو شود . وی به درستی عمق حسوف شهید بهشتی را درک کرده است، که گفت، که حتی سرمایه داری غیر وابسته هم به وابسته و عامل امپریالیسم تبدیل خواهد شد، و باید آن را هم برانداخت . لذا می توان و باید نویسنده را جزء نیروهای مرد می ای در حاکمیت ارزیابی کرد، که خواستار نجات انقلاب و تعمیق دستاورد های آن است . اما متاسفانه نمی توان از این صحبت کرد، که نویسنده برای نجات انقلاب راه حلی را ارائه می دهد، که انقلاب را نجات خواهد داد و نگرانی او، خلق و تمام مدافعان داخلی و خارجی انقلاب را بر طرف خواهد کرد .

توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب حلقات یک زنجیرند

احتکار و گرانفروشی ای که ” تروریست های اقتصادی “ که ” ایادی “ امپریالیسم آمریکا هستند به انقلاب ما تحمیل کردند و هنوز هم ادامه می دهند، در کنار شیوه های دیگر ناراضی - تراشی - ” پا کساز “ زحمتکشان مدافع انقلاب ، اعمال شیوه های تفتیش عقاید در مواقع استخدام ، شعار مرگ بر بی حجاب و نیبه حجاب ، قانون شکنی ، دستگیری های بدون مجوز ، بـسلا - تکلیفی های چند ساله در زندانها ، فشار ، خشنونت و تضییق علیه دکراندیشان مدافع انقلاب ، اعدام های کور در مقابل ترور کور، تحمیل جنگ تجاویز صدام به ایران و تبدیل آن به یک جنگ فرسایشی و غیره و غیره - ابزار کار و شیوه - ای بوده و هست که امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و خارجی برای در افتادن با انقلاب ما آنها را به کار بردند و می برند و یا از آنها استفاده کردند و می کنند . جلوگیری از تصویب قوانین بنیادی همانند اصلاحات ارضی انقلابی قانون کار قانون پارزگانی خارجی دولتی . این کوشش ها برای براندازی انقلاب و جمهوری نوپای اسلامی ایران هم به دست دشمنان شناخته شده انقلاب اعمال شد و می شود و هم به دست ” دوستان نادان “ و دشمنان شناخته شده و ماسک بر چهره چه بسا و بارها و بارها فاصله بین ” دوستان نادان “ و دشمنان شناخته شده وجود نداشت و یکی در پشت دیگری پنهان شد و هنوز هم می شود .

کل انقلاب در خطر است

از این رو برای نجات انقلاب از خطر بر- افتادن باید دو نکته را از نظر دور نکرده: اول - آنکه مبارزه برای نجات انقلاب فقط به مبارزه با گرانفروشی و احتکار ، فقط به مبارزه با ” تروریست های اقتصادی “ ، به عنوان عاملین گرانفروشی محدود نشود . اگر به روند تحکیم مواضع این تروریست های اقتصادی در جامعه انقلابی ما توجه کنیم ، می توان به درستی دریافت که شرط تحکیم مواضع این عناصر ، که وسیله تحکیم مواضع این عناصر ، توسعه و تثبیت مواضع آن نیروها و عناصری در ارگانها و نهاد های دولتی و انقلابی بوده است، که با اجرای اصلاحات بنیادی و به نفع زحمتکشان مخالف بودند و هستند، آنهاست که با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه اصول ۴۵، ۴۹، ۲۳، ۲۶، ۱۰۴، و دیگر اصول مردمی آن مخالفت می کنند و خواهان تجدید نظر در آن هستند .

به این علت، مبارزه با گرانفروشی را نمی توان جدا ساخت از مبارزه برای اجرای انقلابی اصلاحات ارضی و براندازی بزرگ زمین داری . به این علت،

مبارزه با گرانفروشی را نمی توان جدا ساخت از مبارزه برای تصویب قانون کار انقلابی ، جدا ساخت از اجرای قانون ، جدا ساخت از تن دادن به اصل ۲۶ قانون اساسی در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب غیر محارب ، جدا ساخت از اجرای اصل ۱۰۴ و ایجاد شوراهای کارگری - ابزار اعمال حاکمیت خلق - ، جدا ساخت از اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و ایجاد بخش دولتی صنفی و پارزگانی خارجی دولتی . آری مبارزه با گرانفروشی را نمی توان جدا ساخت از مبارزه برای آزادی رفیق کیانوری ، د بیس اول کمیته ” مرکزی حزب توده “ ایران ، که بیش از ۴۰ سال از عمر آگاه خود را در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی ، علیه رژیم شاه و علیه توطئه های ضد میهنی رژیم او و امپریالیسم مبارزه کرده است . آری ، مبارزه با گرانفروشی را نمی توان جدا ساخت از مبارزه علیه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی ، سیا ، اینتلینجنس سرویس و موساد ، علیه دستگاه باقی مانده ” ساواک “ - که به جمهوری اسلامی ایران ” پیوسته “ - ، جدا ساخت علیه پرونده سازی زشت آنها علیه رهبران حزب توده های ما .

تعام کوشش دشمن آنست که نیروهای مردمی را در تار و پود ظریف و ضخیم توطئه های خود گرفتار سازد و به آنها القاء کند و از این طریق مردم را دچار گمراهی سازد، که تنها مسئله انقلاب، مسئله گرانفروشی است . دشمن می خواهد ” نجات “ انقلاب را در ” مبارزه “ با گرانفروشی محدود سازد، در حالیکه تمام خطراتی که انقلاب را از همه سو تهدید می کنند سرا که ماندن تغییرات بنیادی اقتصادی - اجتماعی - و انقلاب را به رکود کشاند هاند، زنجیر یک توطئه خطرناکی را تشکیل می دهند، که به دور کسرد انقلاب کشانده شده است و از این طریق قصد خفه کردن انقلاب را دارد .

پاره کردن و دور انداختن تمام این زنجیر مسئله مبهم روز انقلاب است!

برای نگهداری، گوشت را نمی توان بدست گرسبید

دوم - نکته دوم آنست که برای پاره کردن این زنجیر خطرناک و دور انداختن آن باید خلق را به میدان آورد . باید وزن ” امام و خلق ، خلق و امام “ را در کفه ترازو گذاشت و این ” تسوازن شکننده “ را که می رود به نفع راستگرایان و ایادی امپریالیسم و در تحلیل نهائی امپریالیسم آمریکا عضو شود به نفع خلق بهم زد . راه دیگری بر روی انقلاب باز نیست!

درس تلخ ۲۸ مرداد ۳۲ و درس حماسه ای ۱۳ آبان ۵۸ آن تجارب منفی و مثبتی هستند، بقیه در صفحه ۱۹

کنفرانس بین المللی "کارل مارکس و زمان ما"



اریش هونکر، دبیرکل حزب سوسیالیست متحد آلمان

آن غیرقابل قبول است.

ساورا ماشل رهبر حزب فله لیمو، و رئیس جمهور موزامبیک در سخنرانی خود گفت که خلقهایی در چهار قاره جهان سرنوشت خود را بدست خود گرفته اند و در حال ساختن آینده هر پراز سعادت و خوشبختی اند. شبی که صدها سال پیش پورژوازی اروپا را بوحشت انداخته بود، امروزه نیز آنها را در تمام جهان وحشت زد کرده است. وی گفت آموزش مارکس و انگلس درباره اینکه مبارزه طبقاتی، نیروی محرکه تاریخ است، برای قاره آفریقا نیز کاملاً صدق می کند. نماینده حزب کمونیست عراق، در صحبتهاش خواستار قطع هرچه سربعتر جنگ بین عراق و ایران شد و گفت جنگی که ۳۱ ماه از شروع آن میگذرد، موجب ریختن خون هرد و خلق شده و منابع بسیاری از این راه به هدر میروند و ادامه آن تنها بسود امپریالیسم و صهیونیسم است، و هیچ مسئلهای بین دو کشور وجود ندارد که از طریق سیاسی غیرقابل حل باشد.

کس هسال، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در سخنرانی بسیار مهم و آموزنده اش اظهار داشت که دانش انقلابی بنیان گذاشته توسط مارکس، صحت خود را در عرصه عمل بخوبی اثبات کرده است. وی گفت واقعیات جامعه آمریکا نشان میدهد که طبقه حاکم اکنون نیز تا چه اندازه از مارکسیسم-لنینیسم وحشت دارد. ریگان بعنوان سخنگوی طبقه حاکمه با تعصبی که برای عمر دوران تفتیش عقاید نمونه وار بود به جنگ صلیبی ضد کمونیستی پرداخته است. در حالیکه دولت ریگان میلیونها دلار صرف هزینه های تسلیحاتی میکند اقتصاد آمریکا به سقوط مزمن دچار است و میلیونها انسان زخمکش از محل کار خود به خیابانها پارت شده و در صفهای گرفتن آش مغانی و خانه های بقیه در صفحه ۱۸

خود به طبقه حاکم تبدیل شده است. انقلاب کبیر اکتبر تحت رهبری حزب بلشویکی اش و لنین بزرگ، و ساختن اولین کشور سوسیالیستی جهان راه را برای این موضوع هموار کرد است. وی گفت، احزاب برادر در کشورهای سوسیالیستی با آموزش تجربیات همدیگر در ساختمان جامعه نو و حل مسائل بخرنج اجتماعی که بدانها برخورد میکنند، هر لحظه به غنی تر شدن آموزش مارکس کمک کرده و صحت آنرا به عنوان راهنمای عمل اثبات میکنند. اریش هونه کرد در سخنرانی خود گفت، تمام نیروهای سیاسی و اجتماعی که خواستار حفظ صلح اند، باید صرف نظر از برنامه های متفاوت سیاسی، مواضع ایدئولوژیک و عقایدی مذهبی مختلف و رای وابستگی طبقاتی و هر چیزی که آنها را از همدیگر جدا میکند، مشترک در راه حفظ خلقها از جنگ فاجعه آمیز هسته ای مبارزه کنند این مسئله ای است تاخیر ناپذیر. وی گفت که جلوگیری از استقرار موشکهای هسته ای جدید آمریکا در اروپای غربی که بوسیله ناتو برنامه ریزی شده است از اهمیت بسزایی در این راه برخوردار است.

وی در ادامه صحبتهايش مسائل ساختمان سوسیالیسم در بخشی از کشور زادگاه بنیانگذار سوسیالیسم علمی را مورد بررسی قرار داده و تکامل پویای آنرا در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، در عرصه اقتصاد، سیاست اجتماعی، فرهنگ و هنر، آموزش عمومی و رشد علم و فنس بعنوان "چیزی که تنها سوسیالیسم قادر به رسیدن به آن است" بشمار آورد.

میخائیل زامیانین، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز به نمایندگی از این حزب سخنرانی کرد. وی در صحبتهای خود اظهار داشت که در جهان هیچ آموزش، اجتناب سیاسی و فلسفی وجود ندارد که عمق و وقت تحلیل، در توان و گسترش نفوذ در وسیعترین توده ها قابل قیاس با مارکسیسم-لنینیسم باشد. وی گفت حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره آموزشهای کلاسیک را خلافتان بر اوضاع مشخص اجتماعی انطباق داده و بکار گرفته است. وی با اشاره به صحبتهای یوری آندریف، گفت که تکمیل ساختمان جامعه سوسیالیسم پیشرفته هدف کنونی خلق اتحاد شوروی است. نماینده حزب کمونیست اتحاد شوروی با یادآور فکر مطرح شده از طرف مارکس و انگلس در کتاب "ایدئولوژی آلمانی" که هدف اول تمام تاریخ بشری هستی موجودات زنده بشری بوده است اظهار داشت که این فکر با در نظر گرفتن سیاحت ماجراجویانه و خطرناک امپریالیسم ویژگی خاصی پیدا میکند. وی خاطر نشان ساخت که جامعه کشورهای سوسیالیستی با تدوین بیانیه پسرارک ابتکار بسیار مهم و سازنده ای در راه خلق صلح مطرح ساخته و خود را بعنوان پایگاه مهم صلح جهانی نشان داده است. وی گفت آموزش مارکس جدا از تکامل خلافتان آن توسط لنین و در کنار

کنفرانس بین المللی "کارل مارکس و زمان ما - مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی" در برلن، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، به کار یک هفته ای خود با موفقیت پایان داد. در این کنفرانس که از طرف حزب سوسیالیست متحده آلمان دموکراتیک سازمان داده شده بود، ۱۴۴ هیئت نمایندگی از ۱۱۱ کشور جهان، نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری پیشرفته، احزاب کمونیست کشورهای در حال رشد، جنبشهای آزاد بیختر ملی و احزاب و سازمانهای دموکرات انقلابی و همچنین تعدادی از احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات شرکت داشتند.

این کنفرانس که به مناسبت صد مین سالگرد رگ و ۱۶۵ امین سالگرد تولد کارل مارکس، بنیانگذار اندیشه علمی طبقه کارگر ترتیب داده شده بود، بررسی آموزشهای کارل مارکس درباره پیشرفت اجتماعی و تاثیر آموزشهای وی در مبارزات حاد کنونی در جهان علیه سیاستهای دیوانه وار سلاح فزایی امپریالیسم، مبارزه در راه صلح و تنش زدایی و مبارزه تمام بشریت زخمکش برای تامین پیشرفت اجتماعی و ساختمان دنیایی بهتر و انسانی تر را برنامه کار خود قرار داده بود. تمام هیئت های نمایندگی حاضر در کار کنفرانس امکان یافتند تا بطور برابر نظریات خود را درباره موضوعات مطرحه ابراز داشته و از نظریات دیگر شرکت کنندگان هم شفاهی و هم کتبی اطلاع حاصل کنند. روح حاکم بر این کنفرانس، با وجود شرکت طیف وسیعی از احزاب و سازمانهای انقلابی دارای نظریات بعضاً بسیار دور از همدیگر، روح تبادل صمیمانه نظریات و طرح مسائل مبارزاتی تک تک کشورهای و جای آنها در مبارزه جهانی در راه صلح با طرح چگونگی برداشت هرکدام از احزاب و سازمانهای شرکت کننده از نظریات مارکس و شیوه استفاده آنها از این آموزشها و بالاخره روح تکیه بر خرد جمعی و استفاده از نظریات و تجربیات مبارزین دیگر کشورهای و بالاتر و مهمتر از همه روح همبستگی پیکارجویانه آنها در مبارزات روزمره علیه ستم های امپریالیسم و در مبارزه مشترک تمام خلقهای جهان برای جلوگیری از وقوع جنگ هسته ای و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و ایجاد دنیایی که انسان سازنده آگاه مناسب زندگی و تعیین کننده سرنوشت خود باشد بود. اریش هونه کر که ریاست هیئت نمایندگی کمیته حزب میزبان را در اختیار داشت، در نطقی که هنگام گشایش کار کنفرانس ایراد کرد اظهار داشت که، کارل مارکس زندگی خود را وقف این کرد که تنها جهان را تفسیر نکند بلکه آنرا تغییر دهد، و در حقیقت نیز، جهان از آن زمان تغییر بسیاری یافته است، تغییری به مقیاس عظیم و وسیع و تغییری انقلابی. طبقه کارگر در بسیاری از کشورها برای انجام رسالت تاریخی

اطلاعاتی در پیرامون بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

زندگی مشترکی را پایه نهادند که همواره در خدمت انقلاب بوده و هست .
 ● رفیق منوچهر بهزادی ، حقوق دان و دکتر علوم اقتصادی از چهل سال پیش در صفوف حزب توده ایران در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی میزمد ، او در سالهای دشوار مبارزه برای ملی شدن نفت از رهبران برجسته حزب در خوزستان بود و برای تجهیز کارگران نفت علیه شرکت سابق نفت انگلیس با موفقیت کوشید و پس از کودتای ۲۸ مرداد تمام نیروی خود را در راه مبارزه با انواع انحرافات درون جنبش و تأمین اتحاد نیروهای انقلابی ایران بکار انداخت . پس از پیروزی انقلاب رفیق بهزادی صاحب امتیاز و مدیر مسئول " نامه مردم " - ارگان مرکزی حزب توده ایران - شد و در مدتی که روزنامه امکان انتشار داشت ، برغم انواع فشارهای پنهان و آشکار توانست مشی عمیقاً انقلابی حزب را در روزنامه دنبال کند " نامه مردم " زیر مسئولیت رفیق بهزادی از بهترین روزنامه‌های کشور ، بود و خدمات عظیمی به انقلاب کرد .

● رفقا ابوتراب باقرزاده ، عباس حجری ، اسماعیل ذوالقدر ، رضا شلتوکی ، تقی گی‌منش ، محمد غنی عموشی .
 این رفقا از افسران انقلابی ارتش شاه بودند که از قریب ۴۰ سال پیش درفش استقلال طلبی و مردم دوستی را در درون ارتش ضد مردمی و وابسته شاه ، برافراشتند و به بهای جان خود در خنسی کردن توطئه‌های کودتائی سیاه - انتلیجنت سرویس علیه دولت مصدق فعالانه شرکت کردند .

آنان پس از کودتای ۲۸ مرداد به زندان افتاده و به تصادف از مرگ حتمی رهائی یافتند و مدت ۲۵ سال در زندانهای شاه انواع شکنجه‌ها را تحمل کردند و باقیام توده‌ها در ۱۳۵۷ از زندان آزاد شدند . ایمان و استواری این مبارزین یولادین که طی این همه سال ، سر موئی از معتقدات و مشی حزبی خود فاصله نگرفتند ، نه تنها در تاریخ مبارزات مردم ما ، بلکه در تاریخ مبارزات انقلابی سراسر جهان کم نظیر و افتخار آفرین است .

این مبارزین انقلابی ، هریک سالها و یاماهائی از زندان خود را در کنار مبارزین مسلمان از جمله و بخصوص آیت‌الله طالقانی ، آیت الله اعظمی منتظری گذرانیده و در عمل صداقت حزب ما را در اجرای مشی مبتنی بر اتحاد همه نیروهای انقلابی صرف نظر از معتقدات آینده‌تولوزیک نشان دادند .

● رفقا عبدالحسین آگاهی ، احمدعلی رصدی ، مهدی گیهان ، رفعت محمدزاده

این رفقا نیز از افسران سابق ارتش واز پایه گذاران سازمان افسران انقلابی هستند که از قریب چهل سال پیش علیه امپریالیسم و برای نجات زحمتکشان ایران میزمنند . سه تن از آنان در قیام افسران خراسان علیه رژیم پهلوی در ۱۳۲۳ شرکت داشته و سپس به انقلاب بیون آذربایجان پیوستند و آنگاه تا پیروزی انقلاب بهمن مجبور به مهاجرت شدند .

آنان در سالهای مهاجرت در کنار کارکنان انقلابی به کار علمی پرداختند و در دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به درجات عالی علمی نائل آمدند و آثار گرانبهائی ترجمه و تالیف کردند .

● رفقا آصف رزم دیده و صابر محمدزاده
 این دو رفیق از آغاز دهه ۴۰ به تجدید سازمان حزب در ایران پرداختند و موافق مشی اصولی حزب ما از جنبش ۱۵ خرداد پشتیبانی کردند . به همت آنان بود که نوار سخنرانی تاریخی آیت‌الله خمینی که منجر به بازداشت و تبعید ایشان شده به مرکز حزب رسید و از راه دیوی پیک ایران برای همه مردم ایران پخش شد .

این رفقا بر اثر همین مبارزات انقلابی از طرف ساواک دستگیر و پس از شکنجه‌های فراوان تا آستانه اعدام رفتند ولی سرانجام محکوم به حبس ابد شدند و تا قیام توده‌ها در ۱۳۵۷ در زندان ماندند . آنان نیز در زندان مجری صدیق مشی انقلابی حزب در جهت اتحاد همه نیروهای انقلابی و یویژه توده‌های ما و مسلمانان مبارز بودند و هستند .

● رفیق هوشنگ ناظمی
 این رفیق نیز از نوجوانی به حزب توده ایران پیوسته و قریب ۳۵ سالست که در صفوف حزب ، در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی میزمد . او یکی از روشنفکران برجسته جامعه ماست که روح خلاق رفیق در صفحه ۷

ما در زیر پیرامون بازداشت شدگان و چگونگی بازداشت آنها اطلاعاتی میدهم و سپس برخی پرسش‌های جدی را که در این رابطه مطرح شده بررسی می‌کنیم .

عملیات وسیع پلیسی برای دستگیری رهبران حزب توده ایران از حدود ساعت سه با مادامیکشنبه ۱۷ بهمن آغاز شد . در این ساعت گروه‌های پیگرد به منزل مسکونی رفیق کیانوری ریختند و این رفیق را به همراه همسرش رفیق مریم فیروز و دختر نوه ۱۳ ساله شان با خود بردند . سپس هجوم به سایر منازل و محل های کار آغاز شد و تا ظهر یکشنبه بیش از ۷۰ نفر را بازداشت کردند . آنان زن و بچه و حتی همسایگان مسئولین حزبی و عده‌های رهگذر را هم با خود بردند و پس از بازجویی های طولانی عده‌ی محدودی را آزاد کردند ولی اکثریت آنها را در بازداشت نگاه داشتند .

تعداد کسانی که از آنروز در بازداشت مانده‌اند بیش از ۵۰ نفر است و در میان آنها کسانی را میتوان دید که جز خویشاوندی با یک توده‌ای " جرم " دیگری ندارند .

این ۵۰ بازداشتی ، به قریب ۳۰۰ نفر دیگری که ماههاست به جرم هواداری از حزب توده ایران در زندانها بسر میبرند ، اضافه میشود . بسیاری از هواداران حزب توده ایران در زندانهای بی نام و نشان نگاهداری میشوند ، از حق ملاقات محرومند و برخی از آنها طی قریب دو سال که در زندان بسر برده‌اند حتی یک بار ملاقات نداشته‌اند و محل زندان آنها نامعلوم است و خبرهای گسیخته غیر مستقیمی که میرسد حاکی از آنست که با آنان هواخوری عادی نیز داده نمیشود . اسامی و مشخصات عمومی عده‌ای از مسئولین حزبی که در عملیات روز یکشنبه ۱۷ بهمن بازداشت شده‌اند بشرح زیر است .

● دکتر مهندس نورالدین کیانوری ، استاد سابق دانشگاه ، از قریب ۴۵ سال پیش به جنبش انقلابی پیوسته و از نخستین روزهای تاسیس حزب توده ایران به صفوف آن پیوسته است . رفیق کیانوری بیش از سی سال از این ۴۵ سال مبارزه را در زندان ، تبعید ، شرایط پنهانی و مهاجرت سیاسی بسر برده است .

در ۱۶ بهمن ۱۳۲۷ پلیس شاه رفیق کیانوری را به اتهام شرکت در طرح ترور شاه دستگیر کردند و طی دادگاه نظامی این اتهام تغییر کرد و او را به جرم داشتن عقاید اشتراکی ، تلاش برای سرنگونی رژیم سلطنتی پهلوی و استقرار حاکمیت مردم و " تحریک " کارگران نفت جنوب علیه شرکت استعماری نفت انگلیس محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم کردند .

رفیق کیانوری ده سال در زندان نماند و با کمک ، افسران انقلابی ، از زندان بیرون آمد و نقش فعالی در رهبری حزب و خنثی کردن توطئه‌های کودتائی ضد حکومت مصدق ایفا کرد و کینه حیوانی سازمان‌های حاسوسی امپریالیستی و دربار پهلوی را بیش از پیش برانگیخت . آنان برای بازداشت رفیق کیانوری و ترور او بارها نقشه کشیدند ولی موفق نشدند .

رفیق کیانوری ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی جنبش انقلابی پس از پانزده خرداد و قیام توده‌های ۱۳۵۷ را بخوبی دریافت و به اهمیت مشی قاطع امام خمینی در قیاس با سازشکاریهای لیبرالی پی برد و در تدوین مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران ، که مبتنی بر اتحاد نیروهای انقلابی و پشتیبانی از خط اصیل ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب و امام خمینی است ، نقش درجه اول ایفا کرد .

طی چهار سال پس از پیروزی انقلاب ، رفیق کیانوری همه استعداد و نبوغ درخشان خود را در راه تحلیل درست حوادث و تجهیز حزب توده ایران برای عقیم گذاشتن توطئه‌های امپریالیسم علیه جمهوری اسلامی ایران صرف کرد .

نوشته‌های رفیق کیانوری نمونه درخشان است از تحلیلی مارکسیستی و برخورد خلاق علمی به تحول اجتماعی و مسائل حاد سیاسی از موضع طبقه کارگر و توده‌های ستمکش جامعه .

● رفیق مریم فیروز ، چهل سال پیش به حزب توده ایران پیوست که سی و پنج سال آن در در بدری و مبارزه در شرایط پنهانی و مهاجرت گذشته است . رفیق فیروز طی این چهل سال نبرد بعنوان مبارز پر شور استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی و دشمن سرسخت و آشنای ناپذیر نظام منقر سلطنت پهلوی شناخته شده و بویژه در نبرد برای آزادی و رهائی زن ایرانی جای بسیار برجسته‌ای دارد . رفیق مریم در جریان مبارزات حزبی با رفیق کیانوری آشنا شد و

اطلاعاتی در پیرامون بازداشت ...

بقیه از صفحه ۶

ودانش عمیق خود را در خدمت آگاهی زحمتکشان گذاشته و همواره چون سربازی فداکار در تدوین و اجرای مشی انقلابی حزب کوشیده است .

● رفیق ملاحسن قزلچی ، از روشنفکران زحمتکش و فرزندان فداکار خلق کرد و از پایه گذاران نخستین سازمانهای دموکراتیک صدر رژیم شاه در کردستان است . این رفیق بر اثر پیگردلیس شاه مجبور به ترک وطن شد و به عراق رفت ولی در آنجا هم گرفتار پلیس رژیم و بسته ملک فیصل - نوری السعید شد و سالهای دشواری را در سیاه چالهای عراق گذراند .

پس از سقوط رژیم وابسته ملک فیصل - نوری السعید ، رفیق قزلچی تلاشهای خود را برای سازماندهی انقلابیون کرد ایران ادایه داد و امری که بسیار مهم است - همواره با نظریات انجرفی که به جنبش کرد تحمیل میشد رزمیدو در راه مشی اصولی حزب توده ایران در راه اتحاد همه خلقهای ستم دیده ایران علیه امپریالیسم کوشید .

● کیومرث زرشناس

این رفیق از نوجوانی به صفوف سازمان جوانان توده ایسرا ن پیوسته و در جنبش ملی شدن نفت فعال بوده و از آن پس نیز تا به امروز دمی از تجهیز جوانان برای نبرد علیه امپریالیسم و در راه منافع توده ها باز نایب شده است . او از کسانی است که برای طرد نظریات انجرفی " چپ " امریکائی از صفوف جوانان بسیار کوشید و در راه جلب هر چه بیشتر جوانان برای پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی ، مردمی امام زحمت فراوان کشیده است .

چنین است فهرست گروهی از رهبران حزب ، که در عملیات ۱۷ بهمن بازداشت شده اند . آیا این فهرست ، از یک باند جاغل اسناد و گذر - نامه بدست آمده است ؟ آیا این فهرست از یک شبکه به اصطلاح جاسوسی است ؟ نه . فهرست گروهی از رهبران حزب توده ایران است که طبق درخواست مصرانه مقامات جمهوری اسلامی ایران و از طرف دبیرخانه حزب و پیامبر و امضاء رسمی به وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران معرفی شده اند .

با کمی دقت در فهرست ، میتوان دریافت که مقامات جمهوری اسلامی ایران کسانی را بازداشت کرده اند که جمعا ۶۰۰ سال سابقه نبرد علیه امپریالیسم و رژیم وابسته و منفور پهلوی و در راه منافع زحمتکشان ایران دارند و ۵۰ سال از این مدت را در زندان و تبعید و در بدری گذرانیده اند . هریک از آنان یک شخصیت برجسته سیاسی ، اجتماعی و علمی است که جامعه ، باید به وجود آنها افتخار کند . تک تک آنها نمونه صداقت و تقوی و پاکی اند که همه عمر جان برکف در راه ایرانی سازی آزاد و آباد رزمیده اند و هیچ یک دیناری از مال دنیا ندارند .

اینک چنین مردان وزنانی که جامعه انقلابی ما باید با چراغ دنبال آنها بگردد در زندانهای جمهوری اسلامی اسیرند . چرا ؟ کسی خود را موظف نمیداند که حقیقت را به مردم بگوید . اما از گوشه و کنار دو " دلیل " که مکمل یکدیگرند به گوش میرسد . یکی اینکه عناصر افراطی راست و عوامل نفوذی امپریالیسم که جلوی پیشرفت انقلاب را گرفتارند ، موفق شده اند این فکر را در تمام دستگاه جمهوری مسلط کنند که در شرایط توقف انقلاب ، اگر حزب توده ایران آزاد باشد توده های ستمکش را تجهیز میکند . باید زحمتکشان و حزب آنها را سرکوب کرد .

دیگر اینکه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی به کمک راست گرایان و عوامل نفوذی خود آمده و برای برخی از مسئولین حزب ما پاپوش دوختند .

رادیوهای بی بی سی ، صدای امریکا در این باره اطلاع میدهند که گویا یک جاسوس انگلیسی که در سفارت شوروی در تهران کار میکرد ، به انگلستان گریخته و درباره رابطه حزب توده ایران با حزب کمونیست اتحاد شوروی مطالبی ابراز کرده و دولت های غربی " اطلاعات " او را در اختیار سفارت جمهوری اسلامی ایران گذاشته اند . گفته می شود که رژیم ضیاء الحق در پاکستان و عوامل جاسوسی انگلیس و امریکا در آن کشور دلال این معامله مشکوک تولیداند . البته این رادیوها گفته اند که اگر یک جاسوس انگلیسی در سفارت شوروی بوده چند جاسوس انگلیسی و امریکائی در خود ایران مشغول کارند و خرابکاری و پا پوشدوژی همکار خود را تکمیل می کنند .

اگر خبر این رادیوهای ارگان سازمانهای جاسوسی امپریالیستی درست

باشد باید گفت که رهبران حزب توده ایران در زندان جمهوری اسلامی ایران نیستند ، زندانی " سیا " و انتلیجنت سرویس اندوین انتقامی است که امپریالیسم بخاطر ضرباتی که تاکنون از حزب مادیده از مردم ایران و حزب مامی گیرد و جمهوری اسلامی ایران را در خلاف جهت منافع ملی هدایت می کند .

شکفتا مردم ایران انقلاب کردند تا کسب استقلال کنند ولی امروز کسانی در جمهوری اسلامی ایران پیدا شده اند که بنام مبارزه با " جاسوسی " و برای تاءمین " استقلال ملی " خود را در اختیار بر - ونده سازی سیاهترین سازمانهای جاسوسی دشمن انقلاب ایران ، قرار داده اند . آیا اینست معنای استقلالی که مردم ایران برای آن مبارزه میکردند و میکنند ؟ آیا اینست پاسخ به خواست مردم که ایران نباید مداخله اجانب در امور داخلی خود را تحمل کند ؟

میدانیم که یکی از مهمترین عوامل اداره کشور داشتن اطلاعات درست است ؛ اطلاعات از وضع اقتصادی کشور ، از وضع زندگی و خود استهای توده مردم ، اوضاع جهان ، توطئه های دشمنان و امکانات دوستان .

متاء سفانه وضع جمهوری اسلامی ایران از این حیث خوب نیست . سازمانهای امپریالیستی توانستند پس از انقلاب در ارگانهای اطلاعاتی جمهوری نفوذ کنند . عقیده خطرناک و ضد انقلابی محافظ راست گرا و دولت موقت که بنا بر آن برای مبارزه با حزب توده ایران و سازمانهای انقلابی چپ میتوان به سازمانهای جاسوسی امپریالیستی متکی شد ، نفوذ این سازمانها را آسانتر کرد و در مواردی به آن جنبه قانونی داد . از جمله آن بخش از ساواک شاه که فعالیت ضد حزب توده ایران و سازمانهای چپ را اداره میکرد دست نخورده اند و به ظاهر به خدمت جمهوری اسلامی ایران درآمد و کسی چون فردوست ، دست راست شاه و مسئول امور امنیتی دربار به جمهوری اسلامی ایران " پیوست " .

قابل تاءمل است که نام فردوست در اسناد لانه جاسوسی امریکا افشاء شد . رفیق کیانوری در پرسش پاسخ های خود روی این مطلب انگشت گذاشت و به عمق خط نفوذ فردوست ها در سازمانهای امنیتی کشور اشاره کرد و نقشی را که آنان میتوانند از طریق دادن خبرها و اطلاعات نادرست در انجرف نظرمقامات حاکم ایفا کنند افشاء نمود . درست از همان زمان پیگیر دعلیه رفیق کیانوری شدت یافت .

نقش عوامل نفوذی سازمانهای امپریالیستی در ارگانهای امنیتی و در مجموعه دستگاه دولتی فقط این نیست که کشمیری ها و کلاهسی ها را بالا می کشند و در مقامی قرار میدهند که به انجام چنان جنایاتی قادر باشند . نقش مهم ترموم فر ترین عوامل در " قالب کردن " اطلاعات نادرست درباره اشخاص و حوادث است . چکسانی و حکومت امثال بنی صدر را به رهبران جمهوری اسلامی قالب کردند و کار را به آنجا رسانیدند که یازده ملیون نفر از مردم مسموم و انقلابی ایران به پای صندوقها رفته بنام چنین فردی رای ریختند . آیا کار به امثال بنی صدر ختم میشود ؟ آیا درباره حوادث داخلی و خارجی کشور اطلاعات عمیقاً نادرست به مسئولین تحمیل نمیشود و همین اطلاعات نادرست منشاء تصمیمات غلط قرار نمیگیرد ؟

امام باروشن بینی خاص خود بارها در گذشته از اینکه کسانی مارا بازی داده و به اشتباه می کشانند شکایت کرده اند .

عناصر افراطی راست که توطئه ضد انقلابی خود را با شانتاز ضد کمونیستی پیش میبرند ، همکاری با ساواک و سیا و انتلیجنت سرویس را با این بهانه توجیه می کنند که گویا این همکاری فقط در حد مبارزه با حزب توده ایران است . نه برای سرکوبی انقلاب . متاء سفانه برخی از مقامات جمهوری اسلامی ایران هم که قاعدتا " مدافع انقلابند به این بهانه و شانتاز کردن می نهند و عمق خط ضد انقلاب را درک نمی کنند و خود را با رغبت در معرض فریب دستگاههای امپریالیستی میگذارند . غافل از اینکه پذیرش ساواک و سیا در همین حد نیز - اگر بفرض محال به این حد محدود شود - بمعنای اندیشیدن با مغز شاه ، سخن گفتن با زبان شاه و پذیرفتن ارزشهای اخلاقی و سیاسی سازمانهای جاسوسی امپریالیستی است ، که نه تنها بمعنای آغاز شکست انقلاب بلکه نشانه سقوط اخلاقی است . گردانندگان امور جمهوری اسلامی ایران شاید خود متوجه نیستند که اتخاذ چنین روشهایی از سوی آنان چه تاءثیر مخربی در اندیشه جوانان مسلمان انقلابی باقی میگذارد و ارتکاب چه جنایاتی را در نظر آنان عادی و طبیعی و حتی ضرور ... جلوه میدهد . عاقبت این کارها به کجا خواهد کشید ؟

چنانکه گفتیم ، دلیل واقعی بازداشت رهبران حزب ما ، بحرانی

بقیه در صفحه ۱۴

آقای "نویسنده"، بر حذر باشید!

بقیه از صفحه ۱

حمایت کرد. دشمنان انقلاب را بی‌امان افشا کرد، و دوستانش را یاری داد. بناچار دوستان و دشمنان تازه‌ای هم برای او پیدا شدند. از طرفی مقدمش را گرامی داشتند، بصوفش پیوستند و آمادگی جانبازی و ایثار در راه اهداف انسانی و مردم‌پسندان دادند و از طرفی قلمش را شکستند، مطبوعاتش را "مسخره" دانستند. این کافی نبود که رهبران را بزنند، کشیدند. دوستان انقلاب، مردم و حزب توده، ایران غمگیند ولی عنان اختیار قضاوت را بدست احساسات گذارای نمی‌دهند. زیرا برای آنان همچنان که برای حزب مصالح انقلاب، میهن و مردم زحمتکش، خونسردی دقت، ظرافت در ارزیابی‌های حوادث طلب میکند. اما مخالفان ناآگاه و دشمنان آگاه حزب و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران این "پیروزی" را به شادی نشسته‌اند.

امیرالیسم و مالش، کلان سرمایه داران و مالکان همه آنها تکیه سرمایه و ثروتشان قبله‌امال و مقصد و عنایت اخلاق، تفکر، مذهب و همه چیز آنهاست. جسارت روز افزونی در حرکات ویرانگره خود علیه انقلاب نشان میدهند. آنها حسابشان روشن است. چه دردناک است آنگاه که دوستان ناآگاه، فریب خورد، گمراه، محدود و قشری به ساز دشمنان قسم خورده میرفتند.

"بررسی تاریخی، سیاسی و عقیدتی حزب توده" را کنه در شماره ۷ اسفند ۶۱ مجله سروش، چاپ رسیده است نمونه بگیریم. نه تنها این مجله که مناسبانه "پیام انقلاب" و "اطلاعات" و "جمهوری اسلامی" و دیگری که در نبود "مردم"، "نامه مردم" و دنیا و نظر این گونه مطبوعات مردمی و متعهد، خود را پهلوانان قهرمان بی‌پارگی با منطقی شکست ناپذیر و حقیقتی مطلق میدانند "پیروزمندان"؛ هل من مبارز گویان و برخی از تازه بقلم رسیده. های بی‌مایه و مشکوک و گاه نفوذی "نفس‌کش" طلب کتان به حزب توده، ایران، به گذشته و حال آن می‌تازند، افسانه‌ها می‌پردازند و چه نانه‌ها که بخیاخام خود این روزها به تنور داغ نمیزند. نویسنده در بررسی تاریخی، سیاسی و عقیدتی حزب توده "صحبت از" تحقیق و بررسی عمیق" میکند و بطوریکه زیر نویس مقاله او نشان میدهد منبع و منابع بررسی او "نگاهی سطحی" به دو شماره روزنامه و دو شماره مجله بوده است که عکس اسناد و مدارک "مورد تحقیق و بررسی عمیق قرار گرفته از طرف ایشان را نشان میدهد".

اینکه "دفاع از روحانیت مبارز" و پستیانی از رهبر عالیقدر انقلاب و روحانیون مبارز "دلیل روشنی" بر محذومیت "روش منافقانه حزب توده" معرفی شده است، خواننده با انصاف را بی‌اختیار وادار میکند که غیابا حکم خود را صادر کند: گر این تیر از ترکش رستی است نه بر مرده بزنند مباد که گویت ادامه میدهم. "نویسنده" "مذعی است که حزب با روش خودش سعی دارد احساسات مردم

را جریحه دار نکرده و به طیفی که آنان عشق و علاقه می‌ورزند، ظاهراً احترام نهاده است، تا اینکه برای خود فرجائی باز کند.

"نویسنده" احساس میکند که مردم از او خواهند پرسید: چرا قصاص قبل از جنایت میکنند. در اینجا حوادث چهل سال قبل از تولد حزب آنهم تحریف شده، واقعه شریف واقعی و صمدیه لباف و "انواع خیانت‌ها و جنایت‌ها و ازبخت خنجر زدن های این کافران مزدور" را ردیف کرده، سعی دارد بر اعصاب خواننده بی‌اطلاع خود آخرین ضربات را وارد سازد. نه، آقای "نویسنده" اینطور نیست. حزب توده، ایران نه جنایتی و نه خیانتی انجام داده است و نه قاتل شریف واقعی است و حتی بموقع این جنایت را محکوم کرده است. مردم دروغ نگویند. حزب توده، ایران نه تنها خنجر از پشت نزده است، بلکه خنجرهای خونین و زهرآگین علیه

انقلاب شکوهمند ما و علیه میهن انقلابی ما، بارها و بارها در حال فریب‌آدن را متوقف و خنثی کرده است. شاید شما هم آنرا میدانید، منتها نرخ روز را این چنین تشخیص داده‌اید! همه امکانات تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی را در اختیار داشتن و کوچک‌ترین امکان دفاع و بیان حقیقت و رد اراجیف و اتهامات ناجوانمردانه را از حزب ما سلب کردن، این تنها بقاضی رفتن است و با کمال تأسف باید گفت که شما و امثال شما آقای "نویسنده" شادبهای بزرگ برای دشمنان انقلاب ما فراهم میسازید و آب باسیب اجرایی توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران میریزید، شاید ناآگاهانه ولی در نتیجه کار، این ناآگاهی تأثیری ندارد.

اگر تاریخ را بخواند، اگر اطلاع درست ندارید عجله در "روشنگری" فریب خوردگان "نشان ندهید. شما هم آقای "نویسنده" بسهم خود در مقابل تاریخ و سرنوشت مردم زحمتکش میهن ما مسئولید.

بزرگداشت دوازدهمین زادروز جنبش فدائیان در شهر لوس آنجلس

پس و ششاد همه اما سه صدماه آرمان طبعه نارت در سردارند هیچانه و در هیچ نجابد از حزب طراز نین طبعه کارگر میهنستان قابل تحلیل و بررسی نبوده و نیست، لیکن از واقعیت تا درک آن چه بسا سنگلاخهای جا-نوز و توانفرسا در میاضت، سالی دیگر بر جنبش فدائیان خلق ایران نذست. سالی سراسر نبرد و سرافرازی. نوازه، در لحظه-های انفجار سرخ کینه در شهراهای تنسده از الیاف غرور خام و سرکش، جسم به جهان گسود و کودنی را در بیهله تضادها و نبرد های سهمین درونی سیر می‌کرد، در خرداد ماه امسال سله شافت و چون پروانه‌ای عاسو به سوی تالار، سرخ افق تاریخ برکشید.

در روز بیست و شش ۶ فوریه ۱۹۸۳ برنامه‌ای بمناسبت دوازدهمین سالروز تأسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اشریت) از طرف هواداران سازمان فدائیان خلق ایران و هواداران حزب توده، ایران و با حضور سایر دوستان هواداران انقلاب ایران در محل خانه ایران در شهر لوس آنجلس برگزار شد. برنامه بر روی مسئله وحدت بین حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اگریت) تأکید شده و موفیت‌های افتخارآمیز سازمان را در طی راهی پر پیچ و خم و دشوار بسا سپاهت استوار بسوی حزب توده، ایران حزب طراز نویس طبقه، کسار کسر ایران ستود و خواهان همطاری هر چه بیستر هواداران حزب و سازمان در رابطه به مسئله وحدت، دفاع از انقلاب مدامریالیستی و مردمی ایران برهبری امام خمینی و خنثی کردن تبلیغات ضد انقلاب در خارج از کشور شد.

وفا کیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافری است رنجیدن حافظ

توده‌های بودن

پذیرش است به حزیم چه جای پرسیدن از آنکه شهره، شهرم به عشق و وزیدن ز آزمون رفاقت بر آدم، آری که بود در سر و جانم هوای گوشیدن نبود در دل من غیر مهر محرومان نبود بر لب من غیر راز پوشیدن به خیل خسته، آلودگان به بدبینی منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن خطر کنیم و مرارت کشیم و دم نزنیم به گیش خلق ستایان خطاست رنجیدن دوراهای است: تن آسایی و دگر خواهی مختیری تو که تن، یا که توده بگزیدن مخند بر من اگر ایستاده می‌سوزم سیه‌دلی است بر احوال شمع خندیدن خوشا بهار بر آیندگان و گل‌چینان نصیب ماست اگر خوشه‌های خون چیدن پیامداری و پیمان و غمگساری خلق براه دوست دویدن، زره نگر دیدن شنیدن همه گفتار ناسزا از خصم ز دوستان سخن دوستانه نشنیدن نگر کشاکش امواج و خویشتن منگر حدیث قطره و دریا؟ چه جای سنجیدن میوس جز علم خشم توده و لب مرگ که روی سود پرستان خطاست بوسیدن گنون به جمع شمایم، فدای شمع شما که شب چراغ چنین را، سزد پرستیدن.

دی ۱۳۶۱ سیاوش کسرانی

نورالدین کیانوری

پرسش و پاسخ

تمتیش عقاید و تعرض به حقوق و آزادیهای مردم، تعرض جدی به انقلاب است

گذاشته باشد. لازمه چنین تائیری، این است که انقلاب واقعا بتواند در جهت حل مسائل اساسی یعنی مشکلات اجتماعی، از راههای منطقی و قابل لمس برای توده‌های مردم و قابل احساس برای مردم جهان، گام بردارد. به نظر ما، تا وقتی چنین نشود، نیروهای جاذبه انقلاب ایران در حال رکود باقی خواهد ماند و اگر این وضع ادامه پیدا کند طبیعی است که از این حد نیز گامی بیشتری می‌یابد، و چنانچه انقلاب در داخل، در زمینه رسیدن به آماج‌های خود با ناکامی روبه‌رو شود، این جاذبه به شدت افت خواهد کرد و بتدریج از میان خواهد رفت. امید ما این است که سال پنجم انقلاب شکوهمند ایران در همه زمینه‌ها، در جهت حل دشواری‌هایی که در برابر انقلاب قرار گرفته، چه دشواری‌های داخلی و چه دشواری‌های خارجی، با پیروزی‌های درخشان همراه باشد، و همان طوری که انقلاب ما در میان رویدادهای دهه هفتاد، در سراسر جهان یکی از بزرگترین رویدادهای دهه هشتاد نیز از لحاظ قاطعیت در زمینه‌های مثبت، در مرکز توجه جهانی قرار گیرد و پیشرفت آن امپریالیسم و ارتجاع را در همه زمینه‌ها با ناکامی و شکست روبه‌رو سازد.

آیا هنوز می‌توان به اجرای فرمان هشت ماده‌ای امید داشت؟

س. اکنون چند هفته از صدور فرمان هشت ماده‌ای امام می‌گذرد. این فرمان امیدهای زیادی در دل توده‌های محروم و مردم تحت فشار برانگیخت و از طرف مقامات مسئول هم وعده‌های زیادی در ارتباط با آن داده شد. امید مردم این بود که در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی، قانون‌شکنی‌ها پایان یابد و قانون حاکم گردد. ولی هنوز نتیجه چشمگیری از اجرای این پیام بدست نیامده و این امر موجب پیدایش اولین آثار ناامیدی در بسیاری از مردم شده است. آیا به نظر شما می‌توان انتظار داشت که گامی جدی در این زمینه برداشته شود و احترام به قانون در زندگی اجتماعی و در همه زمینه‌های زندگی جمهوری اسلامی حاکم گردد؟

ج. البته این پرسش زمینه بحث بسیار وسیعی دارد. این فرمان در جامعه ما که اکنون تضادهای رشدیافته آشتی‌ناپذیری در آن وجود دارد، و طرفین این تضادها، در مبارزه‌ای بسیار جدی - مبارزه مرگ و زندگی - با هم درگیرند، صادر شده است. و به این ترتیب، در جریان اجرا و در تمام زمینه‌ها، با این تناقضات برخورد خواهد کرد. ما می‌بینیم که در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی، در زمینه عدالت اجتماعی و در زمینه تائید استقلال ملی که ریشه و اساس آن عبارتست از استقلال اقتصادی، اختلاف‌نظرهای بسیار جدی وجود دارد. مابارها با صراحت گفته‌ایم و دلائل‌راهم آورده‌ایم که حتی در داخل خود حاکمیت و روحانیت هم، در تمام این زمینه‌ها، اختلاف نظر وجود دارد. به این ترتیب، فرمان امام در چنین جو پرتناقضی صادر شده است. البته امید همه کسانی که علاقمند به آرمان‌های اصلی انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند، این است که این فرمان هرچه سریع‌تر، عمیق‌تر و قاطع‌تر در این جهت پیاده شود. ولی برای اظهار نظر قطعی و درست، در مورد اینکه این فرمان با چه آهنگی، چه امکاناتی، در چه چارچوبی و با چه ابعادی اجرا می‌شود، باید منتظر هفته‌ها و ماه‌های آینده باشیم. انتظار اینکه تخلفاتی که تاکنون انجام شده، با یک دستورالعمل، با یک فرمان و با یک رشته اقداماتی که می‌دانیم ابعاد و تاثیر آن‌ها تا کجاست از میان برود، واقع بی‌بنا نیست. به نظر ما تخلفاتی که طی دو سال اخیر انجام گرفته، جزئی از ترکیب مجموعه شرایطی است که بر جامعه ما حاکم است و نمی‌توان آن‌را به طور مطلق از این مجموعه جدا کرد. تنها مبارزه قاطع، پیگیر و واقعا همه‌جانبه‌می‌تواند بخش قابل ملاحظه‌ای از این تخلفات را از میان ببرد و تا حد ممکن آن بقیه در صفحه ۱۰

آخرین جلسات پرسش و پاسخ رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، متأسفانه به علت اشکال تراشی مسئولان دولتی اجازه انتشار نیافت. از آنجا که محتوای این پاسخ‌ها، نگرشی تحلیلی به اساسی‌ترین مسائل انقلاب و جامعه ما همراه با پیشنهادات عملی برای برون رفت از بحران و چیره شدن بر مشکلات و مسایل نگرانی‌آور است، عین نوار را با اندکی اختصار، در تحلیل‌نامه داخلی حزب منتشر می‌کنیم.

این آخرین جلسه پرسش و پاسخ، پیش از سالگرد انقلاب شکوهمند بیستمین سال است. جا دارد که از این فرصت استفاده کنیم و از طرف حزبمان به مناسبت فرارسیدن سالروز پیروزی انقلاب، به همه رفقا و دوستان و همه مردم انقلابی میهن‌مان شادباش بگویم.

سالی که گذشت، نه تنها توده‌های ما، بلکه تمام علاقمندان به انقلاب ایران امیدوار بودند جشن چهارمین سال انقلاب را در شرایطی بر پا کنند که یکسلسله پیروزی‌های بزرگ در تمام زمینه‌ها، در جهت سمت گیری توده‌های انقلاب بزرگ کشورمان بدست آمده باشد. همه امیدوار بودند که جنگ با پیروزی کامل پایان یافته و متجاوزان عراقی از خاک ایران بیرون رانده شده باشند و مردم ایران قبل از پایان سال و در آستانه سالگرد انقلاب، بتوانند در چنین شرایطی این پیروزی را جشن بگیرند. همه امیدوار بودند که کار بازسازی مناطق جنگ‌زده و تاسیسات عظیم آسیب‌دیده ما، که به اقتصاد کشور ما صدمه زیادی زده است، آغاز شود، و مردم بتوانند تمام نیروی خلاق خود را در این زمینه به کار اندازند. همه انتظار داشتند محدودیت‌های بسیار در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشبیه شده است، و بخش عمده آن مربوط به جنگ و تروریسم سیاسی است، از میان برداشته شود، تا مردم بتوانند در همه زمینه‌ها برای پیش بردن و شکوفان کردن انقلاب مبارزه و تلاش کنند. مردم انتظار داشتند که اصول قانون اساسی در زمینه عدالت اجتماعی پیاده شود و با لاقل گام‌های مهمی در این جهت برداشته شود. مردم انتظار داشتند که دست غارتگران و چپاولگران اجتماعی لاقل تا حد قابل توجهی کوتاه شده باشد تا بتوانند این جشن را در آرامش و آسایش بیشتری برگزار کنند. مختصر کنم، انقلاب می‌بایست در چهارمین سالگرد خود، بخشی از آماج‌های والایی را که در سر آغاز دوران جنبش انقلابی مطرح ساخته بود تحقق می‌بخشید، یا لاقل بخشی از این راه را می‌پیمود.

اما ما شاهد آن هستیم که انقلاب در بسیاری از این زمینه‌ها، نتوانسته است موفقیت چشم‌گیری بدست آورد. البته در زمینه جنگ پیروزی‌های بزرگی داشته‌ایم و ضربات شکننده‌ای بر دشمن متجاوز وارد آورده‌ایم. این برای ما باعث خوشوقتی بسیار است که نتوانسته‌ایم دشمن را از بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از خاک میهن‌مان که در اشغال او بود، با ذلت و سرافکنندگی بیرون برانیم. این پیروزی‌ها، جزو افتخارات قهرمانان رزمنده ما در جبهه‌ها و جزو افتخارات ملت ایران است. اما، با کمال تأسف باید گفت که در یک سال گذشته در زمینه آزادی و عدالت اجتماعی، و اصول مهم قانون اساسی مربوط به این زمینه، علی‌رغم وعده‌هایی که داده شده، گام‌های چشمگیری برداشته نشده است، و متأسفانه با بعضی تصمیماتی که اخیراً گرفته شده، باید به این نتیجه رسید که درپاره‌های زمینه‌ها، حتی گام‌هایی به عقب برداشته شده و یا حتی بعضی از دستاوردهای انقلاب در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

باری، مردم ما انتظار داشتند جشن چهارمین سالگرد انقلاب را در شرایطی برپا دارند که بر اثر قاطعیت مسئولین انقلاب در تمامی این زمینه‌ها، انقلاب شکوهمند میهن‌ما به عنوان یک پدیده جذب‌کننده تائیر بازم نیرومندتری بر خلق‌های محروم سایر کشورهای امپریالیسم - زده و ارتجاع‌زده - نه تنها در منطقه، بلکه در سرزمین‌های دورتر -

تفتیش عقاید و تعرض به حقوق

بقیه از صفحه ۹

را کاهش دهد. اما انتظار اینکه آن را به طور کامل از میان ببرد، ساده نگری و خوشباوری است.

آنچه ما و همه مبارزان انقلابی ایران انتظار داریم، این است که پایه‌های استواری بی‌ریزی شود که تا آنجا که مقدور است، در آینده تخلفات کمتر و کمتر شود. برای این کار چنان که گفتیم، لازم است به تخلفات بسیاری که امروز مطرح است، رسیدگی شود.

در اینجا باید نکته‌ای را توضیح بدهیم، ما به این علت بر تخلفات امروز تأکید می‌کنیم و بدان اهمیت بیشتری می‌دهیم که اثر آن‌ها را هم اکنون می‌بینیم. ممکن است یک سال یا دو سال پیش، یک روز کسی یا کسانی مرتکب تخلفی شدم باشند. این تخلف، اکنون دیگر اثری ندارد. اما مثلاً اثر غارتگری محترکان و تروریست‌های اقتصادی، همین الان با تمام قوت خود در جامعه هست. این اثر عبارت است از تجاوز به حقوق مردم از طرف یک اقلیت صاحب ثروت، و اگر جلو آن گرفته نشود، ادامه پیدا خواهد کرد. همان طور که می‌بینیم، محترکان و گران فروشان بدون کوچک‌ترین ناراحتی به کار و زندگی خودشان ادامه می‌دهند و برعکس، این روزها خیلی هم خوشحال‌اند و با تمام قوا می‌کوشند چنین وانمود کنند که پیام امام به نفع آن‌ها بوده است. این جو چنان بالا گرفت که حجت‌الاسلام محقق داماد، ضمن صدور بیانیه‌ای گفت: به هیچ وجه نباید از پیام امام این طور سوء استفاده شود که گویا به نفع غارتگران بوده است.

و آن‌هایی که اموالشان را از راه دزدی بدست آورده‌اند، حالا دیگر در مصونیت هستند! خوب، چرا چنین است؟ علت اینست که هنوز دست غارتگران به معنای کامل باز است، هنوز هیچ‌گونه دستبند حکومتی به دست آن‌ها زده نشده و خلاصه برای این جنایت عظیمی که در مورد ۳۵ میلیون مردم ایران انجام داده و می‌دهند، هنوز پشت میله‌های زندان قرار نگرفته‌اند. دیگر جنایتی عظیم تر از این که در تاریخ ما وجود ندارد. یک جانی می‌رود یک یا چند نفر را می‌کشد، اما اگر این جنایتی را که محترکان و گران فروشان در دوه ساله اخیر نسبت به محرومان جامعه ما مرتکب شده‌اند، با جنایات دیگر مقایسه کنیم، می‌بینیم که مجازات آن به مراتب سنگین‌تر و شدیدتر از مجازات جنایتکارانی است که با یک عمل فردی، در یک گوشه‌ای به حقوق یک یا چند فرد تجاوز کرده‌اند. اما دستور العملی که ستاد پیگیری فرمان امام برای بازگرداندن قانونیت به زندگی اجتماعی ما، برای تمام نهادها، مراجع و مردم صادر کرده است. در خور توجه است. به نظر من شایسته است همه مردم علاقمند آن را دقیقاً مطالعه و با زندگی روزمره خود مقایسه کنند و هر جا که احساس می‌کنند واقعیت جاری با این دستور العمل ستاد پیگیری - که مسلماً بازتاب محتوای اساسی پیام امام است - تناقض دارد، از راه‌های گوناگون، از راه مراجعه به مقامات قضایی و غیره، آن را مطرح سازند، با آن به مبارزه برخیزند و کوشش کنند تا جلوی این نارسایی‌ها و تجاوزات و حقوق اجتماعی، گرفته شود. گرچه، بعضی از آشنایان و دوستان با بدبینی به آن برخورد می‌کنند و مدعی‌اند که: این هم از همان حرف‌ها است. اطلاعاتی است برای ساکت کردن مردم که مثل همیشه هیچ اقدامی در جهت آن صورت نخواهد گرفت و بعد هم به فراموشی سپرده خواهد شد.

به نظر من، در این مورد نباید این طور برخورد کرد و برخورد ما، باید باز هم مثبت و سازنده باشد. همین که این دستور العمل با آن مواد، صادر شده، نشان می‌دهد که جامعه ما تشنه این دستور العمل و تشنه اقداماتی است که باید در این زمینه‌ها صورت بگیرد. نشان دهنده این است که در این زمینه تجاوزاتی انجام گرفته، هنوز هم انجام می‌گیرد و باید جلو آن‌ها گرفته شود. این دستور العمل دارای بخش‌های مهمی است. از بخش‌های بسیار مهمی که در آغاز آن آمده است، وظایف دادگاه‌های انقلاب است. در بخش پیش از آن، اصول مهم قانون اساسی مطرح شده است. ما خوشحالیم که ستاد پیگیری فرمان امام، بویژه این چند اصل بسیار با اهمیت قانون اساسی - اصل ۲۳، ۲۵، ۳۲ و چند اصل دیگر - را به این وسعت مطرح کرده و به مردم یادآوری کرده‌است که این اصول حق آن‌هاست و باید بخواهند که نسبت به این اصول تجاوزی صورت نگیرد. من ابتدا این سه اصل را می‌خوانم، زیرا با بحث ما مربوط است:

اصل بیست و سوم: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد."
اصل بیست و پنجم: "بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن

مکالمات تلفن، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون."

اصل سی و دوم: "هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا" به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده" مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق موازین مجازات می‌شود."

خوب، حالا، صرف نظر از مبارزهای که علیه ضدانقلاب انجام گرفته و محدود آن‌ها در بخش دوم این دستور العمل مهم، در بخش وظایف دادگاه‌های انقلاب، خواهیم خواند، منصفانه ببینیم که در یک سال اخیر، خارج از وظایف دادگاه‌های انقلاب، بویژه در زمینه همین اصل بیست و سوم، یعنی ممنوع بودن تفتیش عقاید و تعرض به افراد به صرف داشتن عقیده چقدر تجاوز انجام گرفته است؟ در این زمینه‌ها، نه تنها در دادگاه‌های انقلاب تجاوزات غیرقانونی بسیار وسیعی انجام گرفته، بلکه هر اداره‌ای، هر فرد و یا هر چه‌ای که در یک جایی نشسته بوده، به خود حق می‌داده است که کسی را به سراغ این و آن بفرستد و خانه آن‌ها را از کمد لباس گرفته تا کتاب‌ها - و حتی اشیاء و لوازم بسیار خصوصی - را بگردند و تجسس کنند، تا ببینند که آیا شایستگی استخدام در فلان اداره را دارند یا نه! ما نمونه‌های این کار را با چشم خودمان دیده‌ایم، و به قول معروف دیگر "اظهرن الشمس" شده است. مسلماً دامنه این حرکات آنقدر وسیع بوده است که پیام امام به این شکل صادر شده و امروز هم از طرف ستاد پیگیری فرمان امام مورد تأکید قرار گرفته است. در مورد رساندن نامه‌ها و ضبط و شنود گذاشتن و کنترل تلفن‌ها و غیره هم تخلفات بسیاری انجام گرفته و اگر نگرفته بود، از طرف ستاد پیگیری فرمان امام، این اصل قانون اساسی یادآوری نمی‌شد. در مورد بازداشت‌ها که دیگر هر چه بگوییم کم گفته‌ایم! من در این جا راجع به این مسئله، لااقل تنها تا آن جا که به حزب توده ایران مربوط است، صحبت می‌کنم. بخش دوم دستور العمل ستاد پیگیری فرمان امام که اهمیت برجسته‌ای دارد، حوزه عمل و وظایف دادگاه‌های انقلاب را چنین بر-
شمرده است:

"الف - قتل و کشتار به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم و آمریت و مابشرت" (البته، این مربوط به گذشته است)

"ب - حبس و شکنجه مردم مبارز و آمریت و مابشرت"
(این هم مربوط به جنایاتی است که در رژیم گذشته انجام گرفته است.)

"ج - جنایات بزرگ اقتصادی، یعنی غارت بیت‌المال و یا تلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان"

(این هم به دوران رژیم منفور پهلوی مربوط است، اما از آن جنایاتی است که با کمال تأسف هنوز هم ادامه دارد و ما شاهد جنایات عظیم اقتصادی، با مقیاس‌های غول‌آساکه هستیم. این را خود دولتمردان و مسئولان طراز اول جمهوری اسلامی ایران نیز اذعان دارند.)

"چ - توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه ترور و تخریب موسسات و جاسوسی به نفع اجانب"

"ه - سرقت مسلحانه، تجاوز به عفت، ساختن، وارد کردن و پخش مواد مخدر"

خوب ما الان شاهد این واقعیت هستیم که اقلاً بیش از سیصد نفر از مسئولین، اعضاء و هواداران حزب توده ایران، علیرغم این که هیچ اتهامی به آن‌ها نمی‌چسبد و هیچ چیز آنان در حوزه وظایف و عمل دادگاه‌های انقلاب نمی‌گنجد ماه‌ها و بسیاری از آن‌ها نزدیک دو سال است که زندانی‌اند و بلا تکلیف به سر می‌برند. این‌ها نه در قتل و کشتار برای تحکیم رژیم پهلوی شرکت داشته‌اند (برعکس در آن دوران اکثراً در زندان به سر می‌برده‌اند) نه مردم مبارز را شکنجه داده‌اند، بلکه بسیاری از آن‌ها خود در زندان‌ها و سیاه‌چال‌های رژیم گذشته مورد شکنجه قرار گرفته‌اند، نه جنایات بزرگ اقتصادی کرده‌اند، چون همین‌هایی که الان به عنوان توده‌ای در زندان نشسته‌اند در هفت آسمان یک ستاره ندارند، نه تلافی ثروت به نفع بیگانگان، نه توطئه بر علیه جمهوری اسلامی ایران، نه اقدام مسلحانه، نه ترور و نه تخریب و نه جاسوسی به نفع اجانب، هیچ‌کدام به آن‌ها نمی‌چسبد. بعضی از این افراد در سنین میانه و بعضی‌ها شان حتی پیرمردند. در میان آن‌ها کسی است که در دوران رژیم سرنگون شده پهلوی حدود ۱۶ - ۱۵ سال در زندان به سر برده است و آن وقت این جا، در اصل سی و دوم قانون اساسی گفته می‌شود که: در صورت بازداشت موضوع باید بلافاصله با ذکر دلایل کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم و در عرض ۲۴ ساعت به دادگاه فرستاده شود.

بقیه در صفحه ۱۱

تفتیش عقاید و تعرض به حقوق ...

بقیه از صفحه ۱۰

خوب ، در این مورد چگونه می توان قضاوت کرد ؟ اگر به این تجاوز نسبت به حقوق اولیه سیاسی و اجتماعی که در قانون اساسی آن طور بر آن تاکید شده رسیدگی نشود و این ظلمی که انجام گرفته بر طرف نشود ، چگونه می توان امیدوار بود که در آینده دیگر واقعا چنین تخلفاتی صورت نگیرد ؟ بخش وظایف دادگاه های انقلاب می گوید : " توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب موسسات و جاسوسی به نفع اجانب " نگفته است . " توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران به صورت خزنده " خوب ، الان سه سال است که دبیرخانه و دفتر مرکزی حزب توده ایران و دفاتر آن در شهرستان ها از طرف گروه های غیر مسئول مورد هجوم قرار گرفته و تخریب شده ، اموال حزب به غارت رفته و بعد این دفاتر از طرف دادستانی های محل توقیف شده تا به حال هم ، برای این توقیف ها هیچ حکمی صادر نشده است ! نزدیک به دو سال است که علیرغم قانون مطبوعات که روزنامه ها و مجلات دارای اجازه آزادند منتشر شوند ، روزنامه ها و مجلات حزب توده ایران که همه دارای اجازه بوده اند ، تنها با ادعای واهی و ثابت نشدن " توطئه خزنده " توقیف شده اند و از انتشار آن ها جلوگیری می شود . تا به حال هم ، هیچ دادگاه مطبوعاتی - کم مطابق قانون مطبوعات مسئول رسیدگی به چنین اتهاماتی است - برای رسیدگی به این مسئله تشکیل نشده است . خوب ، آیا این ها جزو تمام این تجاوزاتی که ما امروز تنها بخشی از آن را مطرح می کنیم ، نیست ؟ ما فکرمی کنیم که این ها فقط گوشه ای از نمونه های بسیار وسیع این تخلفات و تجاوزات است و تا وقتی این اصول قانون اساسی که در دستور العمل ستاد پیگیری فرمان امام به آن ها اشاره شده ، در تمام ابعاد خود پیاده نشوند ، نظر بدبینان که معتقدند این هم فقط یک اعلامیه است که نه بشوایند دارد و نه عمل خواهد شد ، درست در خواهد آمد .

و اما درباره مسئله تفتیش عقاید . شما ببینید در پرسشنامه هایی که برای گزینش یا بازسازی تهیه کرده اند ، و ما نمونه های چایی آن را در اختیار داریم . چه سؤالاتی می کنند ؟ " به نظر شما کیانوری لیبرال است یا نه ؟ " ، " نظر شما در مورد ولایتی چیست ، خط امامی است یا نه ؟ " ، " آیا شما به بنی صدر رای داده اید یا به دیگری ؟ " و غیره . حالا ، جالب این جا است که اگر کسی بگوید من به دیگری ، مثلا به حبیبی ، رای داده ام ، بلافاصله حذف خواهد شد ! یعنی کار به جایی رسیده که رای دادن به بنی صدر ملامت می شود برای این که کسی در یک پست دولتی قرار بگیرد یا نه ! و رای ندادن به او ، علامت این است که طرف تمایلات توده ای دارد ! ببینید که دامنه این تفتیش عقاید به کجا کشیده و چقدر مبتذل شده است !

ما برای سخنان اخیر آیت الله موسوی اردبیلی که ستاد پیگیری فرمان امام ، رسیدگی به کار وزرا ، عده ای از شخصیت های بزرگ اقتصادی و دادگاه ها و دادستانی های انقلاب را آغاز کرده ، ارزش قائلیم و امیدواریم که سرانجام ، در آینده ای نزدیک ، یا لا اقل نه چندان دور ، در آینده ای که فرمان امام در آن به فراموشی سپرده نشده باشد - نتایج این رسیدگی ها ، پیگردها و تصمیمات ستاد پیگیری که به مقامات و محاکم صالحه ارجاع داده شده اند ، و نیز نتایج بررسی های این محاکم ، در اختیار افکار عمومی قرار گیرد . تنها در این صورت است که افکار عمومی آرام و امیدوار خواهد شد و سلامت و آرامش به زندگی اجتماعی ما باز خواهد گشت .

آیا انقلاب به بن بست رسیده است ؟

س - با رای شورای نگهبان در مورد قانون احیاء و واگذاری اراضی مزروعی و دارای فراریان ، بهت زدگی و ناامیدی بی سابقه ای مردم انقلابی را فرا گرفته و از طرف دیگر ، سرمایه داران و طاغوتیان به طرز بی سابقه ای پایکوبی می کنند . آیا باین موضع گیری شورای نگهبان ، می توان گفت که انقلاب به طور قطع به بن بست رسیده و باناکامی روبرو شده است ؟

ج - البته ، این پرسش بسیار بفرنج و پر دامنه ای است . من ناچارم آن را به چند بخش تقسیم کنم و به هر بخش ، پاسخ جداگانه ای بدهم . اول می پردازم به رای شورای نگهبان . به نظر من ، با توجه به مجموعه ای که در گذشته نزدیک بر جامعه ما حاکم بود و هر آنچه در این جو مطرح می شد ، و مباحثاتی که در خود مجلس راجع به قانون احیاء و واگذاری اراضی مزروعی صورت می گرفت ، و نیز آنچه در پرسش و پاسخ قبلی در باره این قانون گفته بودم - در مورد نامه هایی که به این طرف و آن طرف فرستاده می شود و موضع گیری هایی که در پاسخ آن ها صورت می گیرد - این رای زیاد هم غیر منتظره نبود . واقعیت این است که این رای ، در میان دهقانان و همه نیروهایی که به انقلاب امید بسته بودند و چهار سال تمام ، از عملکرد جمهوری اسلامی ایران و اظهارات تقریبا

تمام دولتمردان جمهوری اسلامی و بزرگ ترین شخصیت های این چنین دریافت بودند که یکی از عمده ترین شعارهای آن است از برآوردن آرزوی میلیون ها دهقان بی زمین و امکان کشت و زرع به آن ها ، سردرگمی بی سابقه ای به وجود مردم چهار سال است که منتظر بوده اند . این مسئله آنقدر است که یکی از نخستین تصمیمات شورای انقلاب ، در همین شد . امام خمینی هم بر اساس اهمیت موضوع ، تصمیم گیری به سه فقیه بزرگوار ، یعنی آیت الله منتظری ، آیت الله مشکینی ، عالیقدر بهشتی واکذار کردند . و این سه فقیه عالیقدر ، هم هم انطباق آن را با اصول اسلامی تایید کردند ، و سپس به مردم درآمد و در این زمینه گام هایی هم برداشته شد و بعد بر اثر اوضاع از جنگ و پاره ای گرفتاری ها که در زمینه اجرای آن پیش آمد ، شد . در این مرحله ، قرار شد که مجلس قانون آن را تنظیم و تصویب کند . از آن پس ، چهار سال است که در مطبوعات در این زمینه می شود . در این مدت متفکرین بزرگ و فقهای عالیقدر اسلامی نیز این مورد اظهار نظر کرده اند . مردم چشم به راه اتخاذ تصمیم بنیادین در این زمینه بودند ، که یکباره شورای نگهبان این پیشنهاد را کار لم یکن اعلام کرد و باعث شد وضع بسیار دشوار و گیج کننده ای در جامعه پیدا شود . خوب ، در این جا این مسئله مطرح می شود که اگر این لایحه با اصول اسلام مغایرت داشته باشد ، آیا برای توده های مردم که به این آراء اعتقاد دارند و برای آن اهمیت قائلند ، نسبت به نظریاتی که در گذشته داده شده تردید به وجود نمی آید و اعتماد و اطمینان شان دچار تزلزل نمی شود ؟ در ارتباط با اصل جریان تحولات بنیادی اجتماعی ، که یکی از آن ها عبارت است از واگذاری زمین مزروعی و وسایل کشت و زرع به دهقانان بی زمین و کم زمین ، حداقل بیش از ۵ میلیون نفر ، یعنی یک میلیون خانواده بی زمین و کم زمین که تمام امیدشان را به اجرای این قانون بسته بودند ، اکنون دچار ناامیدی و بهت زدگی هستند . آیا این مسئله تنها با یک توصیه دادستان کل که : " مالکین ، احسان کنید ! احسان کنید ! " ، حل می شود ، و این آقایانی که قرن ها و قرن ها احسان نکردند ، بلکه مثل زالو خون مردم را مکیدند و غارتشان کردند ، حالا فقط با یک توصیه این چنینی و یا تهدید به این که " اگر احسان نکنید ، دوسوم مجلس علیه شما رای خواهد داد " ، خواهند ترسید ؟ آن روز که مجلس قانون را گذراند ، این ها نترسیدند و با تمام قوا علیه آن اقدام کردند . و حالا ، از این که فقط آن ها را تهدید کنند که مجلس قانون خواهد گذراند ، می ترسند و احسان می کنند ؟ خوب ، خود این توصیه ها ، نشانه این است که واقعا در زمینه این مسائل ، برای مردم ، برای صدها هزار خانواده ای که از سوی مالکان در تهدید بیرون رانده شدن از خانه های خود به سر می برند ، پاسخی وجود ندارد ، مالکینی که به گفته آیت الله موسوی اردبیلی ، یکی از آن ها در ماه ۴۰۰ هزار تومان اجاره خانه می گیرد و دیگری که از سه چهارتا باغی که در ناحیه فارس دارد ، سالی یک میلیون تومان اجاره دریافت می کند . هزاران هزار خانواده در معرض حکم تخلیه و بالا بردن اجاره ، آن هم نه به میزان ۵ درصد و ۱۰ درصد ، بلکه ۱۰۰ درصد و ۲۰۰ درصد هستند . آیا واقعا این مالکین و آن زمین داران بزرگ غارتگر به فکر احسان خواهند افتاد ؟ و یا از تهدید به این که مجلس قانون خواهد گذراند ، خواهند ترسید ؟ این ها همان موقع هم که در این زمینه قانون از مجلس گذشت ، اطمینان مطلق داشتند که حتما روزی ، به نحوی جلو آن گرفته خواهد شد و با اطمینان خرف می زدند . بد نیست که واقعا از گفت و شنود زمین داران ، سرمایه داران و مالکین خانه ها و غیره که در خیابان ها ، تاکسی ها و راهرو دادگاه ها و دادسراها انجام می گیرد ، برای دادستان کل و سایر دولتمردان رپرتاژی تهیه شود که ببینند این آقایان چگونه به مسائل برخورد می کنند و آیا کوچک ترین احساسی در آن ها برای احسان کردن به دهقانان ، کارگران و مستاجران وجود دارد ؟

در اصل مزارعه ، که در طول چندین قرن تاریخ فتوای الهیه ایران برقرار بوده ، که دعوی وجود نداشته است ! مالک زمین را با این شرط در اختیار دهقان می گذاشته که یک پنجم محصول مال دهقان و چهار پنجم آن مال خودش باشد . یعنی یک سهم برای نیروی کار دهقان ، و چهار سهم برای زمین ، آب ، گاو و بذر که متعلق به مالک بوده است . این که همیشه بوده و چیز تازه ای نیست . پس این انقلاب چه چیز تازه ای به توده های محروم مردم داده است ؟ این فریاد شهید بزرگوار رجائی که گفت : " مستضعفان ، شما حق دارید فریاد بزنید ؛ رجائی ، رجائی ، این انقلاب هنوز هیچ چیزی به توده های مردم نداده " ، هنوز تکرار شدنی است . واقعیت این است که به نظر ما این رای شورای نگهبان ، تنها گوشه ای است از یک نبرد اجتماعی بسیار عمیقی که در جامعه ماجریان دارد . این نبرد ، همان چیزی است که حجت الاسلام فرستجانی در خطبه نماز جمعه خود ، یک هفته یا دو هفته پیش ، مطرح کردند . عده ای دیگر از شخصیت های برجسته جمهوری اسلامی نیز در این زمینه سخن گفته اند . در این سخنان ، به دو بیش تندرو و محافظه کارانه اشاره شده است .

تمشیش عقاید و تعرض به حقوق ...

بقیه از صفحه ۱۱

لغافه‌ها و پوشش‌های این کلمات را برداریم، آن چه می ماند، عبارت است از دو برداشت طبقاتی که در پشت سر این دو بینش قرار گرفته است. یکی مدافع حقوق سرمایه داران و مالکان و ثروتمندان است و یکی هم مدافع حواست‌های توده محروم، یعنی کارگران، دهقانان بی زمین و کم زمین، پیشه‌وران جز و توزیع کنندگان خرده پایی که از طرف محترکان و گران - فروشان تحت فشار هستند. یک بینش از منافع این طبقات و قشرها، یعنی ۳۵ میلیون نفر دفاع می کند، و بینش دیگر از منافع آن یک میلیون نفر. البته همیشه لازم نیست کسی که مدافع سرمایه داران و مالکان رای می دهد، حتما خودش صاحب کارخانه باشد و یا مثلا چهار پنج تاملک داشته باشد. نه، اگر در این جهت رای می دهد، این بدان معنا نیست که برداشت او حتما فلسفی، اجتماعی و یا برداشت آگاهانه طبقاتی است. نتیجه عمل او، چیزی است که به نفع یک قشر یا طبقه معین تمام می شود. ما معتقدیم که این نبرد در جریان است و اگر در آینده وضع به آن جا برسد که این بینش محافظه کارانه، که به گفته امام خمینی هم، بینشی است که بیشتر در جهت موادی از احکام اسلام است که مالکیت را تأمین می کند، اگر بر تمام تصمیمات جمهوری اسلامی ایران و به طور درازمدت چیره شود، آن گاه دیگر می توان گفت که انقلاب به پایان خود رسیده و نتوانسته به آماج‌هایی که وعده آن را به مردم داده است. دست یابد.

البته، چنان که گفتیم، این در صورتی است که این خط، نگهداری نظام بی بندوبار غارت سرمایه داری، بر مجموع حاکمیت جمهوری اسلامی ایران چیره شود و نقش تمییزکننده به دست آورد. اما هنوز امید فراوانی می توان داشت که چنین نشود. و نه تنها امید می توان داشت، بلکه باید در این راه فعالانه مبارزه کرد. توده های مردم و همه نیروهای انقلابی، چه در حاکمیت و چه بیرون از آن، عرصه نبرد را به این آسانی ها خالی نخواهند کرد. ما اطمینان داریم که در خود حاکمیت، پیروان راستین خط امام با تمام قوا خواهند کوشید، امیدها و آماج‌های انقلاب را جامه عمل ببوشانند. مبارزه، مبارزه بسیار سخت و بفرنجی است، و به ویژه جنگ تاحدی بر این سختی و بفرنجی افزوده است. ولی واقعیت این است که این نبرد جریان دارد.

سطحی نگری و ساده انگاشتن این مبارزه، بدون هیچ تردیدی، منجر به شکست و ناکامی خواهد شد. به نظر ما طرفداران نظریه هواداری از منابع سرمایه داری و بزرگ مالکی، فوق العاده آگاهند و متشکل و بدون هیچ گونه تزلزل عمل می کنند. آن ها راه خود را می شناسند و کوچک ترین تمایلی نیز برای سازش با نیروهای مخالف، یعنی نیروهایی که طرفدار زحمتکشان هستند، ندارند. واقعیت کنونی جامعه ما، این است که در آن، یک نبرد طبقاتی جدی در جریان است و در این نبرد، توده های وسیع سی و چند میلیونی مردم، همان زحمتکشان شهر و روستا که مطابق گفته آیت الله موسوی اردبیلی در نماز جمعه دیروز، به نام خود نیز محتاج اند، و خانه های هم برای سکونت ندارند، با مبارزه خود نقش تعیین کنند را در تاریخ ایفا خواهند کرد. ولی در این جا باید گفت نقش کسانی که این توده ها به آن ها اعتماد دارند، یعنی پیروان اصل خط امام، اهمیت تاریخی و سرنوشت ساز دارد. اگر نیروهای خط امام در این مبارزه دچار سامحه و ساده اندیشی و سهل انگاری بشوند - هم چنان که به نظر ما - اکنون به همین علت این ناکامی ها به بار آمده است - آن وقت ممکن است انقلاب با شکست روبرو شود و نیروهای راست، و نیروهای طرفدار سرمایه داری، چیره شوند.

و اما درباره آخرین مسئله ای که در آن پرسش مطرح شده بود، که: آیا با این موضع گیری شورای نگهبان، می توان گفت که انقلاب به طور قطع به بن بست رسیده و با ناکامی روبرو شده است؟

البته، جواب من با این سؤال منفی است. ما فکر می کنیم که هنوز زود است و نمی توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب به طور قطع با ناکامی روبرو شده، به بن بست رسیده، و برای بیرون آمدن از این بن بست، و ادامه راه خود در جهت تأمین عدالت اجتماعی: دیگر نیرویی ندارد. به نظر ما، هنوز مبارزه در خط مردمی، یعنی برای انجام دگرگونی های بنیادی در نظام اقتصادی به سود محرومان جامعه که بیش از سی و چند میلیون تن از زحمتکشان شهرها و روستاها را در برمی گیرد، ادامه دارد. نبرد برای درهم شکستن مقاومت نیروهای وابسته به نظام گذشته، یعنی نیروهای خواستار بازگشت به نظام وابسته به امپریالیسم، نظام بی بند و بار غارتگر سرمایه داری و بزرگ مالکی، با تمام شدت خود در جریان است و در آینده نیز ادامه خواهد یافت. ما این نبرد را هنوز به هیچ وجه پایان یافته تلقی نمی کنیم. اغلب، در نبردهای تاریخی که ممکن است سال ها طول بکشد، چنین حالاتی پیدا می شود که در این یا آن مرحله، یک طرف، یک موفقیت گذرای نسبی به دست آورد. اما این

موفقیت گذرای نسبی ممکن است به نیروهای مخالف درس و آموزش بدهد و آن ها دریابند که چه اشتباهاتی کرده اند که این شکست بر آن ها وارد آمده است. و در نتیجه، این موفقیت نسبی به عکس خود، به ضد خود یعنی یک شکست بازم بزرگ تر برای طرف یاد شده تبدیل شود. ما انقلاب ایران را هنوز دارای چنین دورنمایی می بینیم و معتقدیم خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی که در شعارهای اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی متبلور شده بود، هنوز می تواند در نبردی که در جامعه ما ادامه دارد، پیروزی های مثبت و بزرگی کسب کند. البته همان طور که امام خمینی بارها و بارها تأکید کرده اند، این مسئله اهمیت زیادی دارد که توده های مردم همواره در مورد همه مسائل مهم انقلاب در صحنه باقی بمانند و بر آن تأثیر عملی بگذارند. ما اکنون باید این واقعیت را در نظر بگیریم که این جنگ تحمیل شده از طرف امپریالیسم و سایر تحریکات امپریالیسم، دشواری های بسیاری برای انقلاب ما به وجود آورده و امیدواریم که این دشواری ها گذرا باشد و با پایان گرفتن جنگ، بار دیگر این میدان نبرد، شاهد پیروزی های بزرگ برای توده های محروم جامعه ما باشد. ما فکر می کنیم که هنوز توده های ده ها میلیونی محرومان شهرو روستا که انقلاب را به پیروزی رساندند، و برای تثبیت و تحکیم آن در چهار سال گذشته همه فداکاری کردند، به این زودی و به این آسانی دستاوردهای مبارزات تاریخی خود را از گف نخواهند داد و برای گسترش آن، هنوز هم تن به نبردهای طولانی و سختی خواهند داد.

جامعه کنونی ایران سرمایه داری است؟

س - در اظهارات بعضی از دولتمردان و مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی گاهی اظهار نظرهایی می شود که با واقعیات جامعه ما کوچک ترین انطباقی ندارد.

مثلا رئیس جمهور در سخنرانی اخیر خود در قم که در روزنامه جمهوری اسلامی چهارم بهمن ماه ۶۱ منتشر شد، این طور گفته اند: "انقلاب، فاصله میان طبقات و قشرها را برداشته است" یا این که رئیس مجلس در خطبه نماز جمعه اول بهمن (۶) این طور گفته اند: "اگر همه ما آن بینش توحیدی را داشتیم، خدا می داند جامعه ما به کجا می رفت اگر همه یک بینش قدری محافظه کارانه داشتند، خدا می داند که از این طرف به سرمایه داری می غلطیدیم. بهتر اینست که یک عده آن جور و یک عده این جور فکر کنند." به نظر ما که علاقمند به گامیابی انقلاب هستیم این گونه اظهارات که با واقعیات جامعه ما انطباق ندارد، باعث می شود که توده های مردم به تدریج اعتماد خود را به حاکمیت از دست بدهند. آیا در جامعه ای که حداقل دستمزد کارگران ۶۷ تومان است و کودکان فعال در کارخانه شیشه سازی در تهران فقط ۳۰ تومان دستمزد روزانه می گیرند، میان این محرومان و زحمتکشان با کسی که در سال ۲۰ میلیون تومان سود دارد و در قصرهای مجلل و رفاه و امکانات بی حد و حصر زندگی می کند، فاصله برداشته شده است؟ آیا ما دیگر در جامعه سرمایه داری زندگی نمی کنیم؟ پس اسم نظام اقتصادی جامعه ما در مرحله کنونی چیست؟ چه کاری در جامعه ما در دست سرمایه داران نیست؟ کدام قانون بنیادی به زیان سرمایه وضع شده است؟

ج - همه این ها پرسش بود، که البته مقداری از پاسخ های آن را خود دوست ما داده است و ولی من سعی می کنم پاسخ را چنان که فکر می کنم بدهم.

ببینید، رفقا، سخنرانی هایی که شخصیت های جمهوری اسلامی ایراد می کنند اغلب نوشته نشده و شفاهی است. یعنی تقریبا همه آن ها همین طور است، و این عادت دولتمردان ماست. در نتیجه چون شفاهی و بدون تنظیم قبلی ایراد می شود، اغلب ممکن است در این یا آن جمله بی دقتی هایی وجود داشته باشد. به این ترتیب، نباید با این مسائل، چنین برخورد کرد. مثلا فرض کنیم که اگر آقای رئیس جمهوری گفته بود: "انقلاب ما تعهد کرده است که فاصله میان قشرها و طبقات را بردارد"، جمله کاملا دقیق بود.

و شاید هم اصلا اعتقاد او همین باشد. من تصور نمی کنم رئیس جمهور معتقد باشد که در جامعه ایران واقعا فاصله میان طبقات و قشرها برداشته شده است. مفهوم را به این شکل باید فهمید که هدف و تعهد انقلاب این است که فاصله های طبقاتی را بردارد. ولی، خوب، انقلاب هنوز به این آماج و ولای خود نرسیده است.

یا مثلا، اگر رئیس مجلس گفته بود: "اگر نیروهایی که دارای بینش های تند هستند نبودند، الان صد درصد در همان نظام آریا - مبری باقی مانده بودیم. و اگر محافظه کاران این قدر در حاکمیت قدرت نداشتند، در این چهار سال اقدامات به مراتب وسیع تری برای احقاق حق توده های محروم انجام گرفته بود." کاملا با واقعیت تطبیق پیدا می کرد.

بقیه در صفحه ۱۳

تفتیش عقاید و تعرض به حقوق ...

بقیه از صفحه ۱۲

در این جا می توان تصور کرد که گوینده همین را در نظر داشته ولی در بیان، به همان علتی که ذکر کردیم، کمی غیردقیق درآمده است.

ماسخنان دولتمردان ایران را، نه در یک جمله و بیا یک سخنرانی، بلکه در مجموع آن ها باید دنبال کنیم و از این دیدگاه، اظهارنظرها و موضع گیری های آن ها را ارزیابی کنیم. در این صورت، ارزیابی ما درست درمی آید.

پرسش دیگر شما که: "ما در چه نظامی زندگی می کنیم؟ و آیا واقعا نظام سرمایه داری از ایران رخت بر بسته است؟"

این پرسش کاملا بجا و البته کمی هم پیچیده است. یعنی، نمی توانیم بگوییم در جامعه ای زندگی می کنیم که در آن همان شرایط جامعه آریامهری، یعنی سلطه کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی وجود دارد. از طرفی اگر بگوییم که جامعه کنونی ایران دیگر جامعه سرمایه داری نیست، این هم نادرست است. جامعه کنونی ایران یک جامعه سرمایه داری است. یعنی اقتصاد ما در مجموع، اقتصادی است که مناسبات سرمایه داری در آن حکم فرماست. هم در روستا و هم در شهر. البته کسانی که می گویند جامعه ما دیگر جامعه سرمایه داری عادی نیست، به اموال مصادره شده، طاغوتیان، کارخانه های ملی شده، به خش هایی از اقتصاد که در قانون اساسی به عنوان بخش دولتی ذکر شده، یعنی به بانکها، تجارت خارجی، صنایع بزرگ مادر، کشتی سازی، هواپیمایی، بیرو، نفت و غیره و غیره استناد می کنند و معتقدند که چون این ها ملی شده و دولت هم دیگر در دست سرمایه داران - به معنای واقعی خود - قرار ندارد، پس جامعه ما سرمایه داری نیست. اما روشن است که این استدلال، استدلال ضعیفی است و دقیق نیست. واقعیت این است که جامعه ما هنوز یک جامعه سرمایه داری است. ولی جامعه سرمایه داری ای که در آن یک سلسله اقدامات اساسی قابل توجه انجام گرفته که تاحدی برای سرمایه داری محدودیت هایی بوجود آورده است خوب، اگر به عنوان نمونه نگاه کنیم، در سایر جوامع خیلی خیلی مشخص سرمایه داری هم چیزهایی از قبیل مؤسسات ملی شده و غیره، در این یا آن بخش پیدا می شود.

مثلا در فرانسه بعد از جنگ دوم جهانی، یعنی بعد از شکست فاشیسم، بخش های عمده ای از اقتصاد که به سازشکاران و کسانی که با هیتلری ها همکاری کرده بودند تعلق داشت، همه ملی شد. معادن، کارخانه های بزرگ ذوب آهن، اسلحه سازی، اتومبیل سازی و تعداد زیادی از بانکها و مؤسسات بزرگ اقتصادی دیگر، همه ملی شدند. اما مناسبات جامعه سرمایه داری فرانسه چه شد؟ باقی ماند. یعنی حتی با دولتی شدن بخش قابل ملاحظه ای از سازمانها و مؤسساتی که سرمایه داری در اختیار دارد، ماهیت نظام سرمایه داری تغییر پیدا نمی کند. البته در جامعه ایران، بخشی از این اقدامات تنها بر روی کاغذ و در قانون اساسی انجام شده است. بخشی هم تا حدودی به عمل درآمده. بخشی که قطعا عملی شده، اینها است: مقدار قابل ملاحظه ای از ثروت های متعلق به خاندان پهلوی و وابستگان آن مصادره شده و در اختیار بنیاد مستضعفان یا دولت قرار گرفته است. اما در مجموع خود، سایر بخش های اقتصاد هنوز در دست سرمایه داران است و نظام سرمایه داری در بخش عمده اقتصاد ما باقی مانده است. در روستای ما تقریبا نظام سرمایه داری و آثار فئودالیت حکم فرماست و در آن تغییر بنیادی صورت نگرفته است. در مورد بخش تجارت داخلی ما، می توان گفت به جز بخش کوچکی که دولت در زمینه توزیع در آن دخالت می کند، که این توزیع باز هم بوسیله سرمایه داران بخش خصوصی صورت می گیرد، تقریبا دست نخورده و در دست در اختیار بخش خصوصی یعنی سرمایه داری و سرمایه داری کوچک است. در تجارت خارجی هم، بر اساس ارقامی که اینجا و آنجا شنیده می شود می توان گفت که الان بیشتر از نصف واردات ایران در دست بخش خصوصی است. در آن بخش هم که در دست دولت است، تقریبا همه چیز از قبیل برنج، آهن و غیره و غیره، پس از ورود به ایران به بخش خصوصی انتقال می یابد.

به این ترتیب، سرمایه داری هنوز در جامعه ما حاکم است. منتها، انقلاب محدودیت هایی برایش بوجود آورده و تمام نبرد کنونی در جامعه ما هم بر سر این است که سرمایه داری می خواهد این محدودیت ها را بردارد و آزاد، مستقل و بلا رقیب در جامعه عمل کند و بی بند و

بارانه به بهره برداری و گردآوری سود بپردازد.

من نمونه فرانسه را گفتم. نمونه دیگری هم در این زمینه است:

نمونه پرتغال. اصلاحاتی که پس از انقلاب در پرتغال انجام گرفت، از آنچه در فرانسه و حتی آنچه در ایران انجام گرفت، عمیق تر و بردمانتر بود.

در آنجا، در دوران اول پس از انقلاب اصلاحات ارضی بسیار قابل توجهی صورت گرفت اما چون نظام سرمایه داری در مجموع خود باقی ماند، با ایجاد اختلاف نظر و نفاق در داخل نیروهای انقلابی، توانست بار دیگر قدرت دولتی را در دست بگیرد و اکثریت مجلس را از آن خود کند و بخش عمده ای از دستاوردهای انقلاب پرتغال را از میان ببرد و در جهت تأمین منافع سرمایه داران و مالکان حرکت کند. بعضی وقتها، پاره ای از مسئولان ما ادعا می کنند که جامعه ما به سرمایه داری است، نه سوسیالیستی. این البته یک ادعاست

شاید بهترین بود که می گفتند ما می خواهیم جامعه ای بسازیم که نه سرمایه داری باشد نه سوسیالیستی. چون آن واقعیتی که الان در جامعه ما هست، سرمایه داری است. ولی خواست آن ها این است که این جامعه مثل جوامع سرمایه داری ای که ما نمونه هایش را می شناسیم، از قبیل ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و کویت نباشد. حتی هند هم با وجودی که بخش دولتی در آن خیلی نیرومند است و روز به روز هم نیرومندتر می شود، از نظر اقتصادی در اساس دارای نظام سرمایه داری است که در آن نبرد فوق العاده شدیدی میان گرایش های صدرمافی - داری و گرایش های تحکیم سرمایه داری در جریان است و ما هر روز آثار تازه ای از این نبرد را شاهد هستیم.

و اما ادعای بعضی ها که گویا "جامعه ما یک جامعه تعاونی است"، و ادعاهای دیگر نظیر آن، دیگر همه نامگذاری است. دوستان عزیز! اگر یادتان باشد، محمدرضا پهلوی هم ادعا می کرد که جامعه ایران به سرمایه داری است، نه سوسیالیستی و نه کمونیستی، بلکه جامعه تعاونی است. این ادعاها را کنار بگذاریم. مثل این است که تمام شرکت های سهامی سرمایه داری پارچه بافی و کارخانه های مربوط به این رشته با هم در یکجا جمع شوند و بگویند ما "تعاونی درست کرده ایم. این عالی - ترین شکل تکامل سرمایه داری است، به صورت کارتلها! اخیرا "چین کارتل" در رشته ریسندگی و بافندگی در اتاق بازرگانی تأسیس شده است. حالانمی دادم اسمش را گذاشته اند: "تعاونی" صاحبان صنایع نساجی" (۱) یانه. ولی نظیر این تعاونی درست شده است. مثل "تعاونی کارخانجات کنسرو سازی در خراسان". صاحبان این کارخانف ها با هم جمع شده اند - برای اینکه قیمت کنسرو را بطور متحد بالا ببرند - و اسمش را هم گذاشته اند "تعاونی". اینها صرافاد عاوانام گذاری است. زمانی می توان گفت جامعه ای سرمایه داری نیست و در راه غیر سرمایه داری گام برمی دارد، که بخش عمده و تعیین کننده اقتصاد کشور از زیر سلطه مناسبات عادی سرمایه دار و کارگر، از زیر سلطه سرمایه دار و بازار فروش سرمایه داری خارج شده باشد. یعنی بخش دولتی، در مجموعه اقتصاد، آنقدر نیرومند و دارای وزن باشد که بر بخش حرد - کالایی و بخش بورژوازی سرمایه داری بچربد. تنها در این صورت می توان گفت که نظام، دیگر سرمایه داری نیست، ماهیت غیر سرمایه داری دارد و در راه غیر سرمایه داری گام برمی دارد. ما هنوز به چنین مرحله ای نرسیده ایم. جامعه ما همان جامعه سرمایه داری است. البته اگر قانون اساسی ما به مرحله اجرا درآید - با همان مفهومی که در زمان تصویب داشت - و سرمایه داری در بخش خصوصی محدود شود و به صورت مکمل بخش تعاونی و بخش دولتی درآید و بخش تعاونی هم واقعا تعاونی شود، می توان امیدوار بود که جامعه ما نیز در آن جهت گام بردارد. اما اگر به این شکل عمل شود که حاجی های هر محله تعاونی را در اختیار خود بگیرند، دکان خود را هم در جوار تعاونی داشته باشد و ۹۰ درصد جنس هایی را که به عنوان تعاونی از دولت می گیرند خودشان بفروشند و ۱۰ درصد آن را در اختیار تعاونی بگذارند، این دیگر مسخره است و تنها کاریکاتوری است از تعاونی واقعی. اگر واقعا تعاونی های کشاورزی، تعاونی های تولیدی کوچک صنفی و غیره پا بگیرند، رشد کند و نیرومند شود. البته آن وقت هم واقعا در اقتصاد کشور به بخش تعیین کننده تبدیل شود، البته آن وقت می توان گفت که جامعه ما دیگر جامعه سرمایه داری نیست. اما آنچه تا کنون انجام گرفته، تنها اصلاحاتی است در چارچوب همان جامعه سرمایه داری و با کمال تأسف باید اضافه کنیم با تصمیماتی که در روزهای اخیر گرفته شده و می شود، حتی از این چارچوب هم گام هایی به عقب برداشته شده است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اطلاعاتی در پیرامون بازداشت ...

بقیه از صفحه ۷

است که انقلاب را فراگرفته و بن بست است که بر اثر فشار امپریا - لیست ها و متحدین داخلی آنها از جرگه ملاکین و سرمایه داران بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران پیدا شده است . مهمترین مسائل داخلی و خارجی حل نشده مانده و راهی و روزنه‌ای برای حل آنها به چشم نمی خورد . نظام اقتصادی غارتگرانه زمان شاه که باعث چنان فلا - کتی شد ، روز به روز بیشتر تثبیت میشود هر تئوری در این نظام بس - بهانه اینکه " شرقی " است نفی میشود تا اصل آن نظام اقتصادی که تا مغز استخوان غربی است دست نخورده بماند .

توده مردم دنبال راه حل میگرددند . امپریالیست ها و بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران راه بازگشت به گذشته را در پیش پای جمهوری گذاشته اند و برای اینکه راه پیشرفت به جلو را سد کنند بهر کار خلاف قانون و انسانیت دست میزنند که از آن جمله است بازداشت رهبران حزب ما و اتهام زنی و باپوشدزی علیه آنان .

حزب ما طی چهل سال نبرد افتخار آفرین خود ، هرگز انکار نکرده است و نمی کند که مدافع حقوق زحمتکش و طرفدار تحول بنیادی اجتماعی بسود آنهاست . ما چهل سال است که علیه مناسبات اقتصادی نا برابر با امپریالیسم می رزمیم . ما از نخستین روز تاسیس حزب خواستار تقسیم اراضی شاه و فئودالهای بزرگ و انجام اصلاحات بنیادی ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین بوده ، در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده ایم . و هر چه در این مدت بسود ، دهقانان انجام گرفته تا حد زیادی محصول مستقیم و غیر مستقیم مبارزات حزب ماست

ما خواستار تدوین و اجرای قانون کار و بیمه های اجتماعی مترقی بوده و هستیم . نخستین قانون کار را در ایران حزب ما تدوین کرد و با نبرد وسیع طبقاتی آن را به دولت شاه تحمیل نمود . امروز هم ما پیش نویس آقای توکلی را طرد می کنیم و آن را لایق قرون وسطی می دانیم و میخواهیم که طبقه کارگر متحد و متشکل شود تا از حقوق خود دفاع کند .

ما خواستار حل مسئله ملی بر اساس خود مختاری اداری و فرهنگی خلق های کشورمان در چارچوب میهن واحد و مستقل بوده و هستیم . ما خواستار صنعتی شدن کشور ، ایجاد و گسترش صنایع سنگین و مادر و پایه گذاری چنان صنعتی هستیم که ما را از وابستگی به تولید تک محصولی نفت نجات دهد و به خود کفایی و تکامل برساند .

ما معتقدیم که نظام توزیع باید عمیقاً دگرگون و مردمی شود . دولت مردمی و تعاونی ها باید نقش عمده ای در توزیع ایفا کنند و به کسبه جز کمک شود که چنگ سرمایه داران بزرگ نجات یابند و به خدمت مردم در آیند .

ما برای حل مسئله مسکن ، بهداشت ، درمان و آموزش و پرورش بر - نامه های قابل اجرای مردمی داریم .

علاوه بر آن در همه زمینه های دیگر اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی نیز حزب توده ای ما برنامه های روشن و هدف های مشخص دارد که اجرای آن میتواند انقلاب را واقعاً " به ثمره نشاند و ایرانی آزاد و آباد ایرانی از آن زحمتکش و محرومین بنانهد و توده های ستمکش را حاکم بر سر نوشت خود سازد .

ما این عقاید و این مشی انقلابی را داشته ایم و داریم . ما در این راه هزاران زندانی و تبعید و صدها شهید داده ایم و باز هم برای تحمل سختی های بیشتر آماده ایم . آنچه باعث تاسف و تاسف است ، این است که داشتن این عقاید و خدمت به توده های ستمکش حتی در جمهوری اسلامی ایران هم " جرم " تلقی میشود .

نیم قرن پیش ، دکتر تقی ارانی ، آموزگار زحمتکش ایران ، در زندان رضاشاهی میگفت :

چه دردناک است که دفاع از حقوق رنجبران در کشوری جرم تلقی شود و مجازات داشته باشد .

امروز باید گفت ؛ چه دردناک است که دفاع از حقوق رنجبران در کشوری هم که انقلاب کرده و بر آن دستگاه شاهنشاهی پیروز شده ، جرم شناخته میشود و این چنین ناجوانمردانه مورد اتهامات زشت قرار میگیرد .

آیامیتوان تردید کرد که هجوم به حزب توده ایران بخاطر دفاع

آن از زحمتکشان ، هجوم به کل انقلاب است ؟ آیامیتوان تردید داشت که نه فقط حزب توده ایران ، بلکه هر اقدامی که بسود زحمتکشان باشد زیر ضربه قرار گرفته است آیا صدای پای کنسرسیوم بین المللی نفت و خدمه ایرانی آن از نوع رضانیم پهلوی ها ، اویسی ها ، القانیان ها ، بگوش نمیرسد ؟

مسئله مهم دیگری که در رابطه با بازداشت رهبران حزب توده ایران مطرح میشود وضع دستگاههای قضائی کشور و بویژه دادگاههای انقلاب مرکز است . محافل افراطی راست متأسفانه موفق شده اند که هجوم به حزب توده ایران را - با آنکه خصلت کاملاً سیاسی دارد زیر پوشش قضائی انجام دهند و این دستگاه را که باید مرجع مورد اعتماد مردم باشد در یک بازی ناهنجار شریک کرده و به دروغ وریا و دورنگی بیالایند و به اعتبار آن لطمه زنند .

البته در کشور ما طی ۲۵۰۰ سال سلطنت هرگز قانون حاکم نبوده و مردم عادت کرده اند که مقامات حاکم زور بگویند . راست گرایان افراطی از این واقعیت بهره میگیرند و به زمینه فکری ضد توده ای میراث زمان شاه و عادت به کارهای خلاف قانون تکیه کرده و می - خواهند کار را به آنجا برسانند که مردم بپذیرند که چیزی عوض نشده است . در ایجاد این روحیه ، ساواک - " در خدمت جمهوری - نقش موثری دارد .

بزای ، روش راست گرایان افراطی و خدمه زر و زور عجیب نیست اما تحمل و تسلیم مقامات جمهوری اسلامی ایران در برابر این توطئه - گران عجیب و به شدت نگران کننده است . آیاکسانی غافل از این اند که " عادت " مردم به اعمال خلاف قانون در زمان شاه ، " عادت " به اینکه هر دگراندیشی در زندان باشد و نتوان بسود کارگر و دهقان و سندیکا و تقسیم زمین حرف زد بمعنای ابراز بی اعتمادی کامل نسبت به حکومت شاه بود ؟ آیایمنی دانند که با این شیوه ها نمی توان به انقلاب خدمت کرد و خواه ناخواه پیامد این شیوه ها شکست انقلاب و پیروزی ضد انقلاب است ؟

ما هوادار زحمتکشانیم . ما برنامه علمی و قابل اجرا برای تحول جامعه ایرانی داریم ، ما در این راه هزاران قربانی داده ایم و به آن افتخار می کنیم . زلی ما خطری برای انقلاب نیستیم . برنامه مادر چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل اجراست . ما مدافع قانون اساسی بوده و هستیم .

خطر برای انقلاب از عوامل امپریالیسم ، از بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران منشاء می گیرد . از ترس پیشرفت در دام امپریالیسم نیفتید ! جمهوری اسلامی ایران میتواند تحکیم و تثبیت شود . این جمهوری میتواند مشکلات خود را حل کند و از بن بست بدر آید .

حزب توده ایران برای خدمت به جمهوری اسلامی در جهت اجرای قانون اساسی آن و تاسیس حقوق توده زحمتکش مردم آماده است . حزب توده ایران هم چنان از اتحاد نیروهای انقلابی جامعه از همه کسانی که صادقانه در راه گسترش و زرفش ، انقلاب میگویند و با امپریالیسم سازش نمی کنند ، پشتیبانی می کند . حزب توده ایران از آینده نمی ترسد . این حزب از نیاز جامعه ما به تحول بنیادی سر

چشمه گرفته و در میان طبقه کارگر ، توده های ستمکش و روشنفکران انقلابی ریشه دارد . اگر صد بار هم این حزب سرکوب شود ، باز با قدی استوار به پا خواهد خاست . اگر همه اعضا و هواداران حزب ما را هم به بند کشند باز این حزب از ریشه خواهد روئید .

ما غم خودمان را نداریم ، درد انقلاب را داریم . آنچه ما سرکوبی حزب توده ایران سرکوب میشود ، انقلاب است ، منافع توده های ستمکش جامعه است ، به هدر رفتن خون دهها هزار شهید و فداکاری و امید ملیونجا انسان است .

ما به مسئولین جمهوری اسلامی ایران مراجعه می کنیم و میخواهیم که احساس مسئولیت کنند . تاریخ کسانی را که در چنین لحظاتی اشتباه کنند نمی بخشد . خود را فریب ندهیم . خطر شکست انقلاب جدی است . تا آن حد جدی است که امام در همین سخنرانی های اخیر خود بارها به آن اشاره کرده و مطرح می کند که اگر مسئولین متوجه نباشند انقلاب دیر یازود به شکست خواهد انجامید .

باید اضافه کنیم که اگر میدان برای راست گرایان باز باشد ، اگر امکان داده شود که آنان خواست سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و ملاکین و سرمایه داران بزرگ متحد امپریالیسم را جامعه عمل به پوشانند و رهبران حزب توده ایران و دبیر اول آن رفیق نورالدین کیانوری را در زندان نگاه دارند و چشم زخمی به آنان برسانند ، شکست انقلاب خیلی زودتر از آنچه تصور می رود فرا خواهد رسید .

مسئله نیکاراگوئه و مسائل آمریکای لاتین

السالوادور نشان می‌دهد که چه درسهای تلخی را از جنگ تجاری اخیر انگلستان با پشتیبانی آمریکا علیه آرژانتین آموخته است.

در چنین زمینهایست که دولت نیکاراگوئه خواهان گفتگو با آمریکا و هند و روس - طراح و مجری توطئه بین اخیر میشود. البته اینگونه گفتگوهای سیاسی بهتر وسیله برای آرام کردن بحران کنونی است. اما آمریکا با این پیشنهاد مخالف است و بدولت هند و روس هم اجازه نمیدهد آنرا بپذیرد. آمریکا متقابلاً میگوید اندیشه بررسی "منطقای" مشکل را بدون حضور مستقیم خود بر سر زینها بیندازد. وزارت خارجه آمریکا عقیده دارد که با وجود "مدافین صلح و زندگی" از قماش آدامسشان السالوادوری، گواتمالائی و هند و روسی، حضور مستقیم آمریکا لزومی ندارد.

در این "ریزه تازی" تازه سیاسی، در عین حال توشش برای وارد آوردن فشار بر دیگر دولتها آمریکا مرکزی که هنوز احترام بین المللی را از دست نداده و خواهان حل مشکلات از راه مذاکره هستند ولی مشخص نکردند چه نوع از مذاکرات مؤثرتر است بچشم میخورد.



دولت بر وضع مسلط است، یک "ریزه تازی" سیاسی دارد جای خود را در سیل اخبار کسب می‌کند. همه میدانند که در جلسه شورای امنیت، بهنگام بررسی خطرات ناشی از جنگ اعلام نشده علیه نیکاراگوئه، اکثریت کشورهای عضو این شورا خواهان جستجوی یک راه حل سیاسی یعنی گفتگو برای حل این درگیری شدند. ایالات متحده آمریکا در موضع بسیار دشواری قرار گرفت زیرا نه تنها برخوردش نسبت به دولت نیکاراگوئه بمثابه امری مخایر بسا قواعد زندگی بین المللی نفی شد بلکه تگلا سیاست آمریکا در آمریکای مرکزی زیر علامت سؤال قرار گرفت و سیاست خشن دخالت با جعاق "محکوم گردید" نباید فراموش شود که زیر این کلمه سمبولیک، چه مقادیر هنگفت و گوناگونی از جنگ افزارها، چقدر خون و تحقیر و پایمال کردن حیثیت‌های ملی نهفته است. اکنون سراسر آمریکای مرکزی و جنوبی با موضع گیری خود در قبال مسائل نیکاراگوئه و

خبرهای تازه در روزها اخیر از نیکاراگوئه می‌رسد نشان می‌دهد که دستجات ضد انقلابی اصولاً در وضعی نیستند که بتوانند به اهدافی که قبلاً با بوق و کرنا اعلام کرده بودند دست یابند. اما در عین حال روشن است که این راهزنان به آسانی بشکست خود اعتراف نخواهند کرد. البته سی - آی - ای هم، پس از آنکه اینهمه وسایل در اختیارشان گذاشته و حیثیت خموشرا در گروهی این هجوم قرار داده اجازه نخواهد داد صاف و ساده پس بفرار بگذارند.

اینک نیروهای ضد انقلابی به داخل جنگل‌ها رانده شده‌اند و امکانات آنها برای گرفتن تجهیزات و مهمات با کوشش و هشیاری نیروهای انقلابی و همه مردم نیکاراگوئه بسیار محدود شده است. دیگر تردیدی وجود ندارد که دولت ساندينيست قادر است از انقلاب دفاع کند. تردیدی وجود ندارد که اکثریت قاطع اهالی نیکاراگوئه اهداف ضد انقلاب را از نظر سیاسی محکوم می‌کنند. مظهر عملی این محکومیت همانا پیکار هگانی و قهرمانانه توده‌های خلق علیه راهزنان است.

البته این مبارزه نمی‌تواند در ظرف چند ماه پایان پذیرد. فشار مرگب آمریکا، ارتجاع آمریکای مرکزی و ارتجاع داخلی علیه انقلاب ملی سانسد - نیستی از ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ تا کنون بی‌پایان ادامه دارد و هجوم نو می‌ماند کنونی راهزنان تنها یکی از اشکال این فشار است. این واقعیت که در لحظه کنونی به شکل هجوم مسلحانه در برابر سایر اشکال (فشار اقتصادی و شانناژ سیاسی) برتری داده شده بدین معنا نیست که تمام امید امیرالیسم و ارتجاع فقط به جنایات آدمکشان گارد سابق سومو - سا و امدادگران هند و روسی آنان بسته شده است. راهزنی و تهدید با اسلحه، "دستخط" دستگاه حدودی کنونی در واشینگتن را نشان می‌دهد، اما این بهیچ وجه تنها افزارشان نیست. در عین حال این نکته هم در مورد نیکاراگوئه صادق است و هم در مورد دیگر کشورهای آمریکای مرکزی.

و درست حالا که دیگر وضع راهزنان در نیکاراگوئه توجه خبرگزاریها را چندان جلب نمی‌کند زیرا

جمهوری توده‌ای کامپوچیا حق قانونی دفاع از خود را دارد

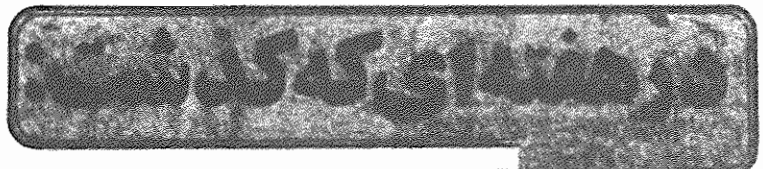
همزمان با آن تایلند همراه دیگر کشورهای عضو آسه آن و ایالات متحده آمریکا هجوم تبلیغاتی پر سر و صدا و افترا آمیزی را علیه ویتنام برآوردند.

دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام بطور کامل از جمهوری توده‌ای کامپوچیا و دولت آن در مورد دفاع از امنیت خود پشتیبانی میکند و می‌طلبد که تایلند به دخالت در امور داخلی جمهوری توده‌ای کامپوچیا خاتمه دهد. تنها هنگامی که این کشور از دادن کمک به دارو دسته پول پت و دیگر باند ها ارتجاعی خود داری کند، هیچ دلیلی برای سر خوردن های نظامی در مرز کشورش با کامپوچیا وجود نخواهد داشت. دولت ویتنام به تمام ارضی و حق حاکمیت تایلند احترام می‌گذارد و از این کشور دعوت می‌کند به پیشنهاد های عادلانه سکندر برادر هند و چین پاسخ مثبت دهد تا صلح و امنیت در مرزهای تایلند و کامپوچیا تضمین گردد.

این اعلامیه در پاسخ به اتهامات مقامات کلاه تایلند است که گویا سربازان ویتنامی به اهالی غیر نظامی در ادوگا های فراریان در نزدیکی مرز های کامپوچیا و تایلند حمله کرده و وارد خاک تایلند شده‌اند. روز اول آوریل نظیر این اتهامات را وزیران امور خارجه پنج کشور عضو مجمع کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) نیز تکرار کردند. در اعلامیه تأکید میشود که تایلند از مدتها پیش همراه با چین از دارو دسته های ضد انقلابی کامپوچیا حمایت می‌کند و آنها را با انواع سلاحها مجهز مینماید. اخیراً تایلند شروع با استفاده هر چه فعالتر از نیروی هوایی و توپخانه خود کرده است تا مناطقی از کامپوچیا را بمباران کند و زیر آتش بگیرد و راه را برای حملات راهزنان هموار نماید.

در اعلامیه وزارت امور خارجه جمهوری سو - سیالیستی ویتنام که چندی پیش در ارتباط با تحریکات نظامی تایلند در مرز کامپوچیا منتشر شد چنین آمده است:

سیاست تایلند مبنی بر بند و بست با چین برای بر هم زدن امنیت جمهوری توده‌ای کامپوچیا، علت اساسی تشدید و خامت در مرز میان کامپوچیا و تایلند در روزهای اخیر است. باین جهت، درست تایلند و چین باید عواقب و مسئولیت این اعمال دشمنانه خود را بعهده بگیرند. اما آنچه که مربوط به کمک داوطلبان ویتنامی به نیروهای مسلح کامپوچیا میشود، این امر انطباق کامل بر قرار داد صلح، دوستی و همکاری میان دو کشور دارد.



چه کسانی می‌خواهند ایران را جولانگاه مجدد امپریالیسم آمریکا کنند؟

امپریالیسم آمریکا از ابتدای اوجگیری جنبش انقلابی در ایران و بعد از پیروزی انقلاب تاکنون، تا آنجا که در توان داشت برای شکست انقلاب

توسید و به انواع توطئه‌ها دست زد. در گذشته ما شاهد توطئه‌های مکرر کودتایی و در حالت مستقیم و مسلحانه آمریکا در امور جمهوری اسلامی ایران بودیم. این توطئه‌ها با شکست مواجه شدند، اما امپریالیسم نه تنها دست از توطئه برداشت، بلکه از شکست‌ها درس گرفت و با شناخت نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران، متحدین تازه‌ای نیز برای خود در داخل ایران پیدا کرد. امپریالیسم آمریکا تدارک نظامی برای دخالت در امور ایران را که از زمان نارترا آغاز شده بود، اینک با سدب‌بیشتری ادامه می‌دهد و امروز نیروی عظمی را در خلیج فارس و پیرامون ایران بنام "فرماندهی مرکزی" مستقر و متمرکز کرده است. آمریکا با آماده شدن برای تجاوز نظامی به ایران زیر پوشش جنگ روانی و محیطی متشنج در پیرامون ایران از طریق تهدید آشکار به تجاوز می‌کوشد تا به تسریع صف‌بندی عناصر آماده به سازش و نیروهای ضد انقلاب در درون حاکمیت و پیرامون آن یاری رساند.

در چنین شرایطی است که امام خمینی باد - پدی واقعبینانه به این خطر اشاره کرده و می‌گویند: "ما آمریکا را زیر پای می‌گذاریم و اجازه نمی‌دهیم در امورمان دخالت کند."

اما متحدین امپریالیسم آمریکا نیروهای راستگرای مدافع مالکین و سرمایه داران بزرگ توصیه‌های امام را در عین تظاهر به ارادتمندی و عشق به امام پشت گوش می‌اندازند و هر حرف او را به میل خود تعبیر و تفسیر کرده و اگر موافق میل خود نیافتند آهسته و ریاکارانه کنار می‌گذارند و اینبار نیز با بی‌حرمتی به سخنان امام، بدنبیل باز کردن راه‌های بازگشت برای ارباب امپریالیستی خود می‌بایستند. آنها موفق شده‌اند که این سخنان امام را نیز دگرگونه جلوه دهند و بسا صحبت‌های پشت پرده آمریکا از در رانده شده را از پنجره بازگردانند.

بی‌مناسبت نیست که روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی امپریالیستی با خوشحالی و امیدواری به اوضاع اخیر ایران می‌نگرند و اشاره میکنند که روابط ایران با آنها از سر گرفته می‌شود. یکی از این روزنامه‌ها ضمن اشاره به از سرگیری روابط مجدد بازرگانی بین ایران و آمریکا، هرچند بکندی ولی بطور مداوم تأکید می‌کند که این امر حاکی از سیاست واقع‌گرایانه حکومت کنونی ایران می‌باشند. البته این "سیاست واقع‌گرایانه" که دول امپری-

یالیستی بدان اشاره می‌کنند را هم میتوان در بحث‌های ظاهراً "علمی و اسلامی" بعضی از "برادران" در میان خود نیروهای حاکمیت و روحانیت نیز جستجو کرد.

همین روزنامه ادامه می‌دهد: "ارتباط تجاری و قرارت‌آد‌های بازرگانی بین ایران و ایالات متحده که در ۴ سال پیش قطع شد مجدداً ولسی به آهستگی برقرار میشود. برخی دیپلمات‌ها و مدیران کل شرکت‌های بزرگ و دانشگاهی که بسا ایران در تماسند، اظهار می‌دارند که سیاست‌های واقع‌بینانه در ایران در حال شکل گرفتن است. طبق ارقام وزارت بازرگانی آمریکا در سال گذشته صادرات مستقیم ایالات متحده به ایران بر ۲۰۰ میلیون دلار بالغ میشود و اکثر موارد صادراتی را کتدم و برنج تشکیل می‌دهد و اخیراً طبق پروانه‌های صادر شده توسط وزارت بازرگانی آمریکا، ایرانی‌ها همچنان مشغول خرید لوازم الکترونیکی و علمی می‌باشند و علیرغم فقدان روابط رسمی بین این دو کشور هیچگونه اشکال قانونی برای داد و ستد با شرکت‌های خصوصی وجود ندارد. در همین ماه گذشته یک گروه از تجار و تکنوکرات‌های ایرانی پیشنهاد کردند که در لندن ترتیب یک ملاقات غیر رسمی را با شرکت‌های آمریکایی بدهند."

آری هشداری که بار تدریجی و طولانی امپریالیست‌ها علیرغم سخنان امام با آشتی جویی - های پشت پرده عناصر سازشکار به‌مراه راستگرایان و خادمان سرمایه به محصول می‌نشیند.

بازگرداندن صنایع ملی شده به بخش خصوصی

در طی هفته‌های گذشته بازگرداندن صنایع ملی شده به بخش خصوصی از اهم مسائل مورد بحث در محافل اجتماعی و کارگری بود و بنظر میرسد، که این اقدام مخالف منافع انقلاب و زحمتکشان، وارد مرحله جدی تر خود شده باشد. هر روز که میگذرد کلان سرمایه‌داران و محافسل مدافع آنان، همزمان با جوسازی و تهمت و افتراء علیه نیروهای صادق خط امام از یکسو اعمال تضيیقات غیر قانونی علیه مدافعین واقعی دگر - اندیش انقلاب، بر روی واحد‌های تولیدی بیشتری از بخش دولتی اقتصاد انگشت می‌گذارد و بسا بهانه‌ها و ترفند‌های متنوع تری دست به توجیه و "مشروع" جلوه دادن عمل خود می‌زنند.

در خلال هفته‌های گذشته از جمله بازگرداندن صنایع زیر به بخش خصوصی مطرح بوده است: رنو، ایران‌یاسا، نوظهور، ساکا، شیشه سمنیا، سایپا، عبیدی، ری‌واک، پارس، خودرو، شرق خراسان، داروختر، کبریت‌سازی توکلی و بسرق لامع.

مدافعین بخش خصوصی با جوسازی، نشنرو اشاعه اکاذیب محض واحد‌های دولتی را فاقسد

سود دهی وانمود می‌کنند. لیبرال‌ها و خادمان سرمایه از همان ابتدا پس از پیروزی انقلاب بسا شعار "دولت کارفرمای خوبی نیست" و بسا وسیله عوامل خوددست به خرابکاری و کارشکنی زدند و کوشیدند تا از کار عادی این واحدها جلوگیری نمایند. تنها و تنها با تلاش‌های اینارگرانه کارگران بود که تا حدود زیادی جلوی این توطئه گرفته شد. قضیه روشن است لیبرال‌های دیروز در بخش دولتی خرابکاری میکردند تا لیبرال‌های امروز با بهره‌گیری از نتایج این کارشکنی‌ها شعار دولت کارفرمای خوبی نیست را بدهند.

در چنین شرایطی کارگران بویژه کارگران صنایع ملی شده، بارها مخالفت خود را با بازگرداندن کارخانه‌های ملی شده به بخش خصوصی اعلام کرده‌اند. کارگران از هستی موجودیست صنایع ملی شده با تمام قوا دفاع کرده و خواهند کرد. موجودیت این صنایع با تاریخ چهار ساله اخیر مبارزات کارگران از هم جدا نمی‌تواند.

چه کسانی خون شهیدان را پایمال می‌کنند

اینک پس از ۴ سال از گذشت انقلاب کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان میهن ما به تنها شمری دریافتند اشتباهند، بلکه دستاورد‌های انقلاب نیز روز به روز مورد تهدید جدی تر قرار می‌گیرند. زنانی که شوهران شان را، کودکانی که پدر - ان خود را و پسرانی که فرزندان خود را در این راه از دست داده‌اند بحق در انتظارند. نامه زیر که از طرف یک شهید خطاب به مسئولین جمهوری اسلامی نوشته شده، در کیهان مورخ ۱۸ فروردین چاپ رسیده، بیانگر این حقیقت است. وی می‌نویسد:

"نمیدانم باید گفت یا نه؟ نمیدانم میشود گفت یا نه؟ و نمیدانم اگر گفته شده، شنیده میشود یا نه؟ بله از داغ سوزان و توان فرسای دهها هزار، پدر و مادر فرزند از دست داده می‌گویم، از رنج گران همسران بی‌شوهر می‌گویم، از متشنج و صیقل‌ناهنای شهیدان انقلاب می‌گویم که همه تأکید کرده و می‌کنند که "از راه محرومان و مستضعفان منحرف نشوید، غم سنگین بی‌خانمانها و ستمکشان را فراموش نکنید. از رنج امام‌مان فیکویم، از دردی که این بزرگ مرد بخاطر محروم - میت‌های محرومان میکشد می‌گویم، که گاه همچون شعله‌ای مقدس بر لبانش می‌آید و فریاد برمی‌آورد، که "به فکر این کوخ نشینها باشید، ما هرچه داریم از اینها داریم، بشریت تعدن و تاریخ هر چه دارد حاصل کار کوخ نشینها است."

او خطاب به مسئولین کشور سؤال می‌کند: "احساس کرده‌اید، چرا چاره‌ای عاجل برای دفع و رفع این ناسامانها نمی‌اندیشید؟ آیا فکر نمی‌کنید فردا خیلی دیر است؟" و ادامه میدهد: "چطور میتوانید قبول کنید که باز هم در دوران جمهوری اسلامی اثانه که نه، بلکه خرت و پیرت یک پاسدار جنگجوی مقیم در جبهه با اهل و عیالش از زیر سقف یک اطافک به گوشه خیابان ریخته شود؟ و یا پدر پیر و مادر علیل یک شهید بقیه در صفحه ۱۷

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۶

دهقان زاده بوسیله ارباب بی‌انصاف از دهی که پدر در پدر روی زمین آن کار کرده‌اند، آوار واره دشت و بیابان گردد و بازهم خان زاده تازه از فرنگ برگشته، برجان و مال هزاران انسان محروم مظلوم سلطه داشته باشد و یا باز هم یک کارخانهدار مال پرست که فکر و ذکری جز براندازی جمهوری اسلامی ندارد بتواند دهها کارگر را اخراج و سرگردان نماید!!
بله برادران مسئول! آقایان فقهای محترم

از مالکیت خانه‌های متعدد و लाखهای مجلسل و مالکیت کارخانه‌های عظیم و مالکیت زمینهای زراعی چند صد هکتاری نامشروع است! هم چنانکه امام در سخنانشان خطاب به شورای محترم نگهبان فرمودند: "اگر تمام اموالشان هم گرفته شود باز هم بابت حقوق شرعی‌شان یک چیستی بد هکارند" آخر کدام عقل میتواند قبول کند که فلان خان خود به تنهایی توانسته باشد صد ها هکتار زمین را آباد کند، که بعد آنرا به ارث به خان زاده بدهد؟ آخر چه عقل سلیمی می‌پذیرد که یک فرد کاسب یا تاجر یا تجارث طبق موازین شرع مقدس اسلام، بتواند ظرف مدت چند سال هزار تومان را به یک میلیارد تومان برساند؟ آیا بهتر نیست که شما برادران محترم بقول حضرت موسوی اردبیلی به پرونده بانکها، ثبت اسناد و



طرح از: کیهان - ۱۸ فروردین ۱۳۶۲

شورای نگهبان! نمایندگان معظم مجلس شورای اسلامی! شماهایی که امروز حفظ و حراست از اسلام و حکومت اسلامی و امت مسلمان ایرانی را بعهده دارید، چه خوب میشد، اگر بجای بحث بر سر مسئله ضرورت یا عدم ضرورت، به واقعیتهای محسوس و ملموس موجود در جامعه توجه میفرمودید و به حقایق تلخی که در کشور جریان دارد می‌پرداختید مثلا یا شخصا یا بوسیله معتقدینتان تحقیق میفرمودید که چگونه یک نجار مبل‌ساز که بیش از چهل سال از عمرش نمیگذرد موفق شده است در بر میدان شهید زمانی (حیابان میر- داماد) در سال ۱۳۶۱ یک پاساژ بسازد که سرقفلی هر یک از مغازه‌هایش از دو ملیون تومان تا هفت ملیون تومان باشد؟ و تحقیق فرمائید که این آقا بابت این سرقفلی‌های گزاف چقدر مالیات حقه دولت را پرداخته است و یا چقدر به جیب‌های جنگ کمک کرده است؟ آقا! بران نیز به جرات میگویم که نود و نه درصد این مالکینها اعم

املاک و پرونده مقاطعه ناری‌ها و پرونده معاملات خارجی و داخلی مراجعه فرمائید تا ملاحظه شود که این مالها چطور جمع شده است؟ آخر چرا فرمان هست ماده‌ای امام را بقول آیت الله جنتی درباره گردن کلفتها و دانه‌های درشت اجرا نمی‌کنید! اجرا مسئولین این گرانی و تورم طاقت فرسا را تحت تعقیب قرار نمی‌دهید؟ ولو اینکه از دوستان عزیزتان باشند. چرا اصول مقدس قانون اساسی را که هر یک خونینهای صدها جوان مسلمان است اجسرا نمی‌کنید؟

مالکین پایگاه اصلی ضد انقلابیون

یکشنبه ۲۱ فروردین روزنامه اطلاعات گزارشی از سمینار هیئتهای هفت نفره واگذاری زمین را که در روزهای پایانی سال گذشته برگزار شده

بود منتشر کرد.
در سمینار آقای جمشیدیان عضو هیئت واگذاری سندج ضمن بر شمردن مظالم مالکین و تلاش آنان در ایجاد اغتشاش پس از انقلاب و بیان این مسئله که پایگاه اصلی ضد انقلابیون همین مالکین هستند گفت:

"آیا وارثین اراضی که در قرآن آمده چنین روستائیان محروم نیستند؟ حجت الاسلام میردیلی در همین مورد میگوید: ۱۰۰۰۰ آیا منطقی و شرعی است که اراضی را از صاحبان اصلی آن، روستائیان بگیریم و به غاصبینی بدهیم که تحت پوشش مالی و نظامی منحوس پهلوی منطقه را (گنبد و کرگان) در زیر سلطه خود قرار دادند. وی در ادامه سخنانش گفت: "صبر دوگونه است: صبر انقلابی که جامعه ما در مبارزاتش با شاه و آمریکا از خود نشان داد و یک صبر انحرافی به این صورت که آنان اظهار میدارند که ما ۲۵۰۰ سال صبر کردیم. باز هم می‌کنیم ۱۰۰۰"

سپس حجت الاسلام افضلی با "اظهر من- الشمس" خواندن مسئله ضرورت اجرای لایحه اراضی کشاورزی گفت: "این مبانی فقهی غنی‌ای را که حضرات آیات منتظری، مشکینی و شهید بهشتی عنوان کردند دیگران ندیده‌اند. آیا میتوان در جنبه‌های شرعی قانون شك کرد؟ اگر مسئله در رد قانون (لایحه اراضی مزروعی که از طرف شورای نگهبان رد شد) مسئله ضرورت بوده، بگویند تا ما برایشان توضیح دهیم که ۳۰ هزار هکتار اراضی شالی فقط در ساری که ۳۵ درصد برنج ملکت را تامین میکند به باغ تبدیل شده است. بگویند تا ما برایشان توضیح دهیم که اراضی را که ۷۰ تا ۸۰ درصد از آن برداشت می‌شده است به بستنی سازی تبدیل کرده‌اند." آقای سلامتی وزیر کشاورزی نیز در همین سمینار میگوید:

"متأسفانه بعد از انقلاب همان بوروکراسی سابق ادامه داشت و ما با بوروکراسی سابق نمی‌توانیم کاری برای محرومین جامعه انجام دهیم. اما ما نیز بدلیل وظایف انقلابی که برعهده‌مان است نباید در برابر حرکتهای ضد انقلابی یا پس گذاشته میدان را عرصه تاخت و تاز آنان (مالکین بزرگ، کلان سرمایه‌داران و تروریستهای اقتصادی قرار دهیم. ۱۰۰۰ نگذارید کانهای اطلاعاتی زمینداران و سرمایه‌داران باشند. ۱۰۰۰ برنامه ریزی بر اطلاعات مبتنی است. ۱۰۰۰ اگر برنامه ریزان اطلاعاتشان مطابق با واقعیت نباشد دیگر نمی‌توان ادعا کرد که حرکت ما حرثتی است صحیح لذا باید دقت کرد که خدای ناخواسته انقلاب را دو دستی به دست ضد انقلاب و تروریستهای اقتصادی ندهیم و در برابر آنان نیز سرسختانه مقاومت کنیم."

تاخیر در انجام اصلاحات ارضی بنیادی بی‌آمد های ناگواری برای انقلاب دارد. بی‌آسند سیاسی آن دلسردی دهقانان از صحنه انقلاب را بدنبال خواهد داشت و این ضربه جبران‌ناپذیری به انقلاب است.
بی‌آمد اقتصادی و اجتماعی آن نیز مهاجرت روستائیان به شهرها و رانده شدن آنها به صف بیکاران است. این مسئله خود بر مشکلات مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش شهرها که در حال حاضر خود مشکلات بزرگی هستند خواهد افزود.

ای که دست می‌رسد کاری بکن

پیش از آن که تو نیاید هیچ کار

" اگر روزی این اخطارها، این تذکرها، این نصیحتها، این هدايتها شر خود شررا ندهند ناچار میشویم طور دیگری رفتار بکنیم" (حجت‌الاسلام رفسنجانی نماز جمعه ۲۹ فروردین ۱۳۶۲)

مسلمانان مبارز، پیروان راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام نگران انقلاب و دستاوردهای آنند و نگرانی امام را به گوش مردم میرسانند در تایید این گفتار باید تکرار کرد که نگرانی درباره سرنوشت انقلاب و آینده جامعه مسلمانان بجای است.

واقعیت آنست که انقلاب ایران متأسفانه طی چهار سال گذشته نتوانسته است به وظائفی که از محتوا و هدف گیری انقلاب برخاسته بود، دست یابد. واقعیت آن است، که زحمتکشان شهر و روستا، که تمام بار انقلاب را بدوش کشیدند و می‌سند، تا ثنونی با دستان خالی به خانه رفته‌اند. نه زندگی کارگران بهبود یافته، نه روستائیان به خواست حق و تاریخی خود رسیده‌اند و ریس خود را شخم میزنند، نه بی‌خانمانها سهمی از هزاران خانه خالی سرمایه‌داران دریافت کرده‌اند، نه اجاره خانه مناسب و نازل تعیین شده، نه اختصار و غارت سرمایه‌داران پایان یافته و نه مسئله نجات خارجی و توزیع تحت کنترل دولت پیاده شده است.

علت این بیان منفی انقلاب که با بزرگی و عمق ایبار و از خودگذشتگی خلق هیچ نسوع ارتباط منطقی ندارد چیست؟ علت این بی‌انگاری منفی که انقلاب را به عمیقترین بحران خود گشوده است و حجت‌الاسلام رفسنجانی را وامیدارد نگرانی امام خمینی را در نماز جمعه به اطلاع هم‌پیمانان رساند چیست؟

بنظر حزب ماسه عامل برای ایجاد این بحران نفس‌اصلسی را دارد: - توطئه‌های تفرقه افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم.

- تعادل شکننده بین نیروهای مردمی و ضد مردمی در درون حاکمیت و بالاخره - تاثیر جنگ فرسایشی عراق علیه ایران. بازداشت رفقای رهبری حزب ماسه و در راس آن رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در عین حال که قله توطئه تفرقه افکنانه امپریالیسم و ضد انقلاب برای مخشوش کردن چهره دستان انقلاب را نشان می‌دهد، با پشتیبانی روشن دستان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ماسه از حزب توده ایران و بازداشت شدگان قهرمان آن و بالا رفتن اعتبار و حیثیت حزب ماسه در بین مردم زحمتکش‌میهن ما پاسخ شایسته خود را یافته است. این پاسخ با توسعه و تعمیق مقاومت زحمتکشان در مقابل هجوم راستگرایان روشن تر و راسختر نیز خواهد شد. کارگران و زحمتکشان به اهمیت تشکل پی برده‌اند و بدون تردید در آینده با قاطعیت بیشتر برای تامین وحدت و تشکل خود، که شرط مقاومت پیروزمند است، کوشش خواهند کرد.

از سویی دیگر عدم توان انقلاب برای آنکه خود را از زیر بار جنگ تحمیلی و فرسایشی امپریالیسم آمریکا، که به دست صدام به انقلاب و خلق ما تحمیل شده است، خارج سازد و از این طریق جهت باد را از بادبان کشتی راستگرایان و کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان خارج سازد، بادی که کشتی کهنه و شکسته پایه‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی شاه را از فرورفتن در امواج انقلاب نجات داد و اگر این باد قطع نشود کشتی دشمنان انقلاب را به ساحل موفقیت خود رساند، علت دیگری برای ایجاد بحران فعلی انقلاب است.

اما بدون تردید عمده‌ترین حلقه علل بحران انقلاب را ناپیگیری رهبری نیروهای مردمی انقلاب در یافتاری برای تحقق خواسته‌های خلق تشکیل میدهند. ناپیگیری ای که نه فقط

قادر نشد نیروهای بینابینی و صادق در رده‌های مسلمانان را، که آنها را "دستان نادان" نامیدند، به سوی انقلاب جلب کند، بلکه برعکس، ابهام و ناروشتی برنامه‌نویان فتن محک واقعی شناخت دست و دشمن انقلاب، جستجو برای پیدا کردن "راه سومی" که نه با بهره‌گیری از تجارب خلقها و انقلابات دیگر، بلکه با نفع‌طلبی این تجارب همراه بود و هست، موجب شد که مسلمانان مبارز هنوز هم ماهیت و علل طبقاتی جدا شدن آشکارتر قشرهای جدیدی از نیروهای بینابینی را از انقلاب درک نکنند. در نتیجه نیروهای مردمی در حاکمیت با زهم امید وارند از طریق پند و اندرز از سقوط این اقشار به دره ارتداد و خیانت به انقلاب جلوگیری نمایند. در حالیکه رها نکردن این اقشار بینابینی، بسا خود خطر جدی کشاندن کل انقلاب و سقوط آن را به دره شکست به همراه دارد. این اقشار که روزی لشکران لنگان با انقلاب آمدند و در جری برکناری بنی‌صدر نیز هنوز همراه مسلمانان مبارز بودند، به علل وابستگی‌های طبقاتی، به علل تعالیشان به شرکت در حاکمیت تا آن مرحله بسا انقلاب همراهی کردند که مرحله اول یعنی مرحله سیاسی انقلاب بود. مرحله‌ای که می‌بایست قدرت حاکمه را به چنگ آورد. در حالیکه مرحله فعلی انقلاب، مرحله تحولات اقتصادی - اجتماعی به نفع زحمتکشان، مرحله‌ای است که این نیروها به آن کوشش ندارند. مرحله‌ای است که این نیروها به خاطر وابستگی‌ها و منافع طبقاتی خود قادر نیستند در آن قدم بگذارند و نه بسه این علت که "نمی‌دانند" و نیاز به نصیحت و پند و اندرز دارند! اکنون این نیروها، ایسن عناصر بینابینی، این "دستان نادان" گرگان انقلابند، که نمی‌توانند، تکیه میکنیم، نمی‌توانند به غارت و پاره‌کردن گوسفندان دست نزنند، سنگ‌هایی هستند، که هیچ میخ آهنین بر آنها فرو نخواهد رفت.

با توجه به این واقعیت است، که حجت‌الاسلام رفسنجانی نیز در نماز جمعه خود میگوید: " امام ۷۷۰ اول نصیحت میکردند، وقتی دیدند کوشش به حرف نمی‌کنند ۷۷۰ تصمیم مقتضی را ۷۷۰ می‌گیرند " و اکنون وقت آن رسیده است، که این تناسب شکننده در بین نیروهای حاکمیت را به نفع نیروهای مردمی در حاکمیت، تغییر داد، وقت آن رسیده است، که وزن امام و خلق و امام را در کفه ترازو بگذاریم، وقت آن است، که انقلاب را از سقوط و شکست نجات دهیم، در این مورد به خلق و تاریخ پاسخگو خواهیم بود.

باید هشیارانه مواظب سلامت و امنیت امام نیز بود. زیرا برای ضد انقلاب در لحظه کنونی حذف کردن کامل امام از زندگی سیاسی و اجتماعی بصورت حیاتی‌ترین هدف درآمده است.

کنفرانس بین‌المللی کارل مارکس و زمان ما

بقیه از صفحه ۵

نماینده "جبهه آزاد بیخشم‌لی‌السواد" قراربوند و مارتسی در صحبت‌هایش گفت که آموزشگاه مارکس در شهرها و دهات به نیروی حادی تبدیل میشوند چه آنها بیان‌کننده آمال و آرزوهای بشریت میباشند. وی گفت خلق السواد ر علیه دیکتاتوری نظامی مبارزه میکند که ۵۰ سال از قدرت رسیدن آن می‌گذرد. "قراربوند و مارتسی" می‌جنگد تا صلح را تأمین کند. وی با تاکید بر اتحاد تمام نیروهای انقلابی در السواد ر گفت این مسئله میتواند برای آمریکا لاتین نمونه‌وار باشد و سهم ارزنده‌ای در مبارزه

مستعدان قرار میگیرند. کس‌هال با پرداختن به تزیلاتی "دو ابر قدرت" اظهار داشت که بدین وسیله قانون بنیادی امپریالیسم تلاش برای رسیدن به سود حد اکثر و انحصاری پرده پوشی میشود. آنها میخواهند این واقعیت را که این آمریکا است که در تمام جهان پایگاههای موشکی هسته‌ای ایجاد کرده و از نیکاراگوئه، السواد ر و کوبا گرفته تا جنوب آفریقا و حاور نزدیک سیاست تجاوزکارانه امپریالیستی را دنبال میکند بگونه‌ای دیگر جلوه دهند. وی پیشنهادهای "راه حل صفر" و یا "راه حل میانه" ریگان را جز بزرگترین فریبکاری‌های تاریخ خواند.

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دارند

تولوز

روز پنج شنبه ۱۲ اسفند توسط هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جنوب فرانسه مراسم همبستگی بین‌المللی با انقلاب مردم ایران در تولوز (فرانسه) برگزار گردید. این مراسم که پیش از سیصد تن از دوستان و مدافعان انقلاب ایران در آن شرکت داشتند ترتیب داده شده بود. بمناسبت برگزاری این جشن، پیامهای زیادی از سوی احزاب و سازمانهای مترقی خطاب به برگزار کنندگان رسید. از جمله اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی، اتحادیه ملی جوانان الجزایر، جنبش ملی لبنان، اتحادیه عمومی دانشجویان مراکش، دانشجویان دمکرات مراکش،

همان آغاز از انقلاب مردم ایران پشتیبانی کرد و امروز عمیقاً نگران سرنوشت این انقلاب عظیم مردمی می باشد. زحمتکشان فرانسه واقعه یازدهم فروردین نورالدین کیانوری دبیر اهل حزب توده ایران و دیگر رهبران و اعضای حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را به ثابته زنگ خطری برای کلبه دستاوردهای انقلاب ایران دانسته و نگرانی شدید خود را ابراز می دارند. کنفدراسیون عمومی کار CGT خواستار آزادی بدون شرط و فوری این مبارزان سرشناس راه رهایی طبقه کارگر می باشد و باریکس حمایت خود را از مبارزات کارگران در راه آزادی و ترقی اجتماعی اعلام می دارد. ضمناً در پیامی که از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران قرائت شد، ضمن اشاره به دستاوردهای چهارساله انقلاب به امیدها

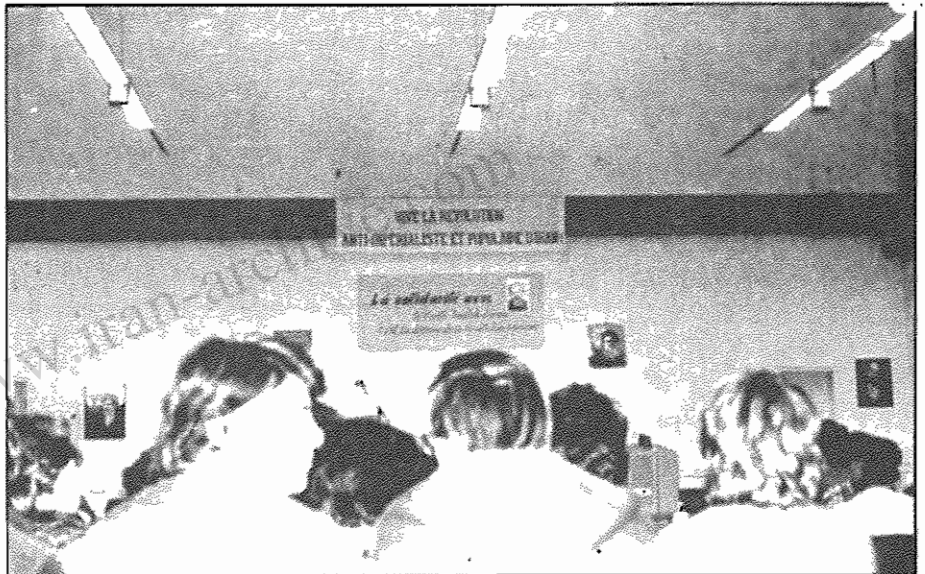
نمایندگان احزاب و سازمانهای انقلابی برگزار شد. ریاست گرد هم آئی را پرفسور ظفر امام از دانشگاه جواهر لعل نهرو بعد از داشت رفیق کریشنان دبیر و مسئول روابط خارجی حزب کمونیست هند و ستان میهمان ویژه جشن بود. رفیق لاهیری از شعبه روابط خارجی حزب کمونیست هند و ستان نیز یکی از سخنرانان جلسه بود.

نخست پرفسور ظفر امام ضمن خوش آمد گویی به میهمانان بیرون دستاوردهای داخلی و خارجی انقلاب ایران صحبت کرد سپس پیام مشترک هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خوانده شد. در این پیام ضمن تجزیه و تحلیل مسائل مبرم ایران آمده است که ما در حالی سالگرد انقلاب را جشن میگیریم که رفیق کیانوری دبیر اول و مدعیان از رهبران حزب توده ایران در زندان بسر میبرند.

رفیق لاهیری ضمن بزرگداشت مبارزات شکوهمند مردم ایران از دستگیری رهبران حزب توده ایران اظهار تأسفک کرد و خواهان آزادی فوری رفقای زندانی گردید.

میهمان ویژه جشن رفیق کریشنان در سخنرانی بسیار خوب و آتشین خود تأثیرات مثبت داخلی و خارجی انقلاب ایران را بر شمرد و با اشاره به تاریخ مبارزات درخشان حزب توده ایران علیه امپریالیسم و بخاطر آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی خواهان آزادی بدون قید و شرط رفیق کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران شد و اتهامات منتسبه به رفقا را کاملاً پوچ و بی اساس خواند و افزود: این نوع اتهامات از شیوههای شناخته شده و رسوا گردیده امپریالیسم بسر کردگی امپریالیسم آمریکا برای مبارزه علیه کمونیست ها و عناصر انقلابی می باشد.

در ادامه گرامی داشت، برنامه های فرهنگی و هنری توسط رفقای ایرانی، هندی و تامپوچانی به اجرا درآمد.



و نگرانی ها "ی هواداران راستین انقلاب اشاره گردید. در چند گوشه سالن محل برگزاری جشن شعارهای "درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران" "همبستگی با حزب توده ایران دفاع از انقلاب ایران است" "برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق" و تصویب رفیق نورالدین کیانوری به چشم می خورد.

هندوستان

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هندوستان، با برگزاری میتینگ ها، نمایشگاههای عکس، نصب پوستر و تکثیر و پخش اعلامیه های بزبانهای فارسی، انگلیسی هندی و محلی، چهارمین سالگرد انقلاب ضد-امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی داشتند.

در دهلی مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب روز ۱۲ فوریه با شرکت عده کثیری از دانشجویان، شخصیت های سیاسی، فرهنگی و

حادیه ملی دانشجویان فرانسه، اتحادیه دانشجویان کمونیست و جنبش جوانان کمونیست فرانسه، حزب کمونیست تونس، حزب ترقی و سو سیالیسم مراکش، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست لبنان، اتحادیه عمومی ویتنامی ها و کنفدراسیون عمومی کار CGT و دیگر سازمانهای دمکراتیک در پیامهای خود چهارمین سالگرد انقلاب را تبریک گفته و نسبت به خطرات بزرگی که انقلاب ایران را تهدید می کند نگرانی عمیق خود را ابراز داشته اند. این سازمانها در پیامهای خود آزادی بدون قید و شرط و فوری رهبران و اعضای حزب توده ایران را از مسلمانان مبارز در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواستار شدند و تنها راه ادامه تعمیق انقلاب را در اتحاد همه نیروهای ضد-امپریالیستی و مردمی در ایران دانستند.

ربرت بلانکو، دبیر ایالتی کنفدراسیون عمومی کار CGT در پیام خود می گوید:

"کنفدراسیون عمومی کار CGT از همه حرکت های ضد امپریالیستی در جهان قاطعانه حمایت می کند و درست بهمین دلیل از

"عطوفت و رأفت اسلامی" مسئولان

بقیه از صفحه ۴

که باید امروز هم راهنمای عمل انقلابی و قاطع ما باشد.

همانطور که قانون کار انقلابی را باید با فکری و به دست کارگران انقلابی نوشت و تنظیم کرد و نه با فکر و دست سرمایه دار و سرمایه دارزاده و با اجرای قانون تجارت خارجی ملی و کنترل دولتی توزیع داخلی سازمان داد و نه با فکر و به دست سرمایه دارانی که "خوی کاخ نشینی" دارند.

برای نگهداری، گوشت را نمی توان به دست کرک سپرد!



قتل فجیع کو ماندانته آماریا کارآدمکشان حرفه‌ای "سیا" است



بد نیال کشته شدن دد منشانه ملیدا آناسیا منتس (کماندانتته آنا ماریا) ، عضو رهبری جبهه آزادی بخش "فارا بوند ومارتی" در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه ، توماس برخه وزیر کشور نیکاراگوئه ، طی یک کنفرانس مطبوعاتی جزئیاتی را پیرامون نحوه انجام این جنایت فجیع افشا کرد . اوضاع واحوال در مورد این جنایت وحشیانه حکایت از دخالت مستقیم سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا (سی آی ای) میکند . تحقیقاتی که تا کنون انجام گرفته نشأ میدهد که صحبت بر سر یک قتل سیاسی است که توسط دشمنان روند انقلابی در السالوادور و نیکاراگوئه طرح ریزی شده و به مرحله اجرا در آمده است . دخالت مستقیم سربازان دولتی السالوادور در تحقق این جنایت غیر ممکن بوده زیرا به محل جنایت دسترسی نداشتند . توماس برخه اعلام کرد که جنایتکاران از متخصصین آموزش دیده برای اینگونه اعمال بودماند و وسایل فنی لازم را نیز برای نفوذ به خانه در اختیار داشتند . آنان دستکش‌هایی داشتند که مورد استفاده نیسرو های امنیتی در آمریکا است ، علاوه بر آن دارای لباسهای تیره و کفش‌های مخصوص بودماند که هنگام حرکت صدائی از آنها بر نمی آید .

یک زخم عمیق روی گردن وجود دارد که موجب مرگ شده است . ظاهراً جنایتکاران میکوشند ما ؛ چنین وانمود کنند که این قتل کاریک سادیس است اما کالبد شکافی ثابت کرده که آن زخمها کشنده نبوده است . توماس برخه گفت که این جنایت بخشی از یک توطئه وسیع و بفرنج علیه میهن پرستان نیکاراگوئه والسالوادور میباشد . او افزود که وزارت کشور برکه هائی که نشان دهنده هیت جنایتکاران یا شد بدست آورده است ولی بعلت ادامه تحقیقات نمی تواند آنها را اعلام کند .

پیام ایندیرو گاندی

ایندیرو گاندی نخست وزیر هند و صدر کنونی جنبش غیر متعهد ها طی پیامی به سران کشورهای جهان خواسته است که با شرکت فعال خود در سی و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به حل مسائل مهم جهان کمک و آنرا تسریع کنند . ایندیرو گاندی رفع خطر جنگ هسته ای و حل مسائل مربوط به اقتصاد جهانی را در مرکز توجه پیام خود قرار داده است .

وی لزوم توقف فوری مسابقه تسلیحاتی و استفاده از ذخایر موجود در راه تکامل حیاتی اقتصادی جهان را مورد تاکید قرار داده و از سران کشورهای جهان خواسته است تا فعالیتهای جدی و فوری برای حل مسئله فلسطین و نامیبیا سازماندهی کنند .

منع سلاحهای شیمیایی

ویکتور ایسرائیلیان نماینده اتحاد شوروی در کمیسیون خلع سلاح ژنو ، پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر لزوم انعقاد قرار داد منع سلاحهای شیمیایی را بار دیگر ارائه داد . وی تاکید کرد که اتحاد شوروی از زمان انتشار بیانیه مشترک اتحاد شوروی و آمریکا در سال ۱۹۸۰ که حوال این مسائل دور میزد ، پیوسته عناصر جدیدی در موضع خود وارد ساخته است تا بلکه به موافقت نهائی

کنفرانس بین المللی کارل مارکس و زمان ما

بقیه از صفحه ۱۸
انقلابی در این نقطه از جهان ادا کند ، اگرچه امپریالیسم برای بازگرداندن چرخ تاریخ به هر وسیله ای دست می یازد .
ابوحاتم ، عضو شورای ملی فلسطین به نمایندگی از طرف سازمان آزاد پیشخ فلسطین اظهار داشت که مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم آمریکا جزو مبارزه عمومی جهان برای نابودی تمام اشکال ستیم است . وی با خاطرنشان ساختن اینکه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دوست و حامی مطمئن خلق فلسطین هستند ، ابراز داشت که امپریالیسم از هیچ کوششی برای ضربه زدن و به زانو درآوردن خلق فلسطین که برای آزادی خود مبارزه می کند ، فروگذار نمی کند .
رفیق علی خاوری ، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب تسوده ایسران که به نمایندگی از طرف حزب در کار این کنفرانس شرکت داشت نیز سخنرانی ایراد کرد که متن کامل آن با عرض پوزش از خوانندگان گرامی به علت تراکم مط-

لب در شماره آینده " راه توده " منتشر خواهد شد . این کنفرانس بسیار مهم که در ۵ و ۶ ژوئن در سالی سرنوشت ساز برای اروپا و جهان برگزار شد و موفقیت آمیز کار خود را پایان داد نشان داد که چه نیروهای با آموزش از چه ایدئولوژی میتوانند فعالانه در راه حفظ صلح در جهان و تأمین پیشرفت اجتماعی مبارزه کنند .
این کنفرانس صحت و اعتبار آموزشها مارکس را که در قرن نوزدهم تدوین شده و با تکیه بر روند های عینی تکامل اجتماعی که خود وجود آنها کشف کرده و تکامل خلق آن توسط نئین و ادامه آن با کار روزمره علمی و عملی احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورها ، برای مبارزات حاد و بفرنج کنونی نیز همچو قطب نمایی یافتن راه گام گذاشتن در شاهراه پیشرفت اجتماعی عمل میکند اثبات کرد .

کمک مالی به حزب توده ایران ، یک وظیفه انقلابی است !

رفقای هوادار حزب توده ایران
در فرانکفورت هزینه چاپ شماره ۳۷
" راه توده " را تأمین کرده اند
ع ، آلمان فدرال ۵۰۰ مارک
علی ، آلمان فدرال ۲۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 38
Friday, 22 Apr. 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 600 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.